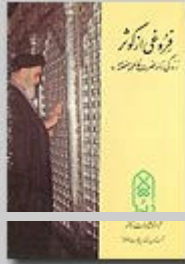


کتاب نامه حضرت معصومه (س)

نام کتاب: فروغي از کوثر



نویسنده: الیاس محمد
بیگی

ناشر: انتشارات زائر

سخن ما

پیشگفتار

بخش اول : پیشینه های درخشان شهر قم

پیشینه تاریخی شهر قم

هجرت خاندان اشعری به قم

پیشینه فرهنگی ، سیا سی شهر قم

مبارزه بی امان مردم قم با ستمگران

انقلاب فرهنگی ، سیاسی

پیشینه درخشان مذهبی شهر قم

بخش دوّم : اجمالی از زندگانی حضرت فاطمه معصومه (س)

فاطمه معصومه (ع) کیست ؟

از ولادت تا هجرت

سفر مقدّس به شهر مقدّس

غروب مهتاب در شهرستارگان

مراسم دفن

بخش سوم : فضائل و مناقب حضرت فاطمه معصومه (ع)

شرافت خانوادگی

عبادت آن حضرت

عالمه و محدّثه اهلیت) ع)

او معصومه است

کریمه اهل بیت (ع)

مقام شفاعت آن حضرت

فضیلت زیارت حضرت

بخش چهارم : روایاتی از حضرت فاطمه معصومه (ع)

حدیث غدیر و منزلت

حدیث دوستی آل محمد (ع)

مقام و منزلت امام علی (ع) و شیعیان آن حضرت

قم دیار ابرار

بخش پنجم : کرامات کریمه اهل بیت (ع)

كراماتي به نقل از آية الله العظمي اراكي رحمة الله

جلال و جبروت فاطمه زهرا(ع)

عنايت حضرت به زو ار مرقدش

عنايت حضرت به زائر برادر

شفاي طالبة جوان نخجواني

منبع فيض الهي

شفاي مرد نصراني

شفاي مفلوج

شفاي پا درد و تقدير از عزاداري اهل بيت (ع)

نجات گمشده و عنايت به زائرين

مبتلاي به جنون

ضعف چشم

دختر لال

مبتلا به سيل

اداء دين و گشايش درزندگي

شفاي يكي از خد ام حرم

شفاي چشم دختر ده ساله

عطاي مخارج ميهماني

حضرت رضا (ع) مريض را به حرم خواهر مي فرستد

نزول رحمت الهي

نسيم رحمت

شربت شفا بخش

بخش ششم : حضرت فاطمه معصومه (ع) در شعر شاعران

نورين نيّرين " فاطمه زهرا و فاطمه معصومه (ع) "

دخت خورشيد

فاطمه ثاني

حبيبه حق

درّ پر بهاء

جمال و کمال فاطمي (ع)

ريحانه رسول

بارگاه رفيع فاطمي

روح ايمان

شافع يوم المعاد

بضعه موسي

گل گلشن فاطمي

حريم خدا

نگین قم

لطف بی انتها

بخش هفتم : سیر تحولات معماری ؛ هنری آستانه مقدسه

دورنمائی از اماکن متبرکه بارگاه فاطمی (ع)

گنبد حرم مطهر

مرقد مطهر حضرت

ایوان های حرم مطهر

ایوان طلا

ایوانه های کنار ایوان طلا

ایوان آینه

مناره های صحن عتیق

مناره های ایوان آینه

مساجد حرم مطهر

مسجد بالاسر

مسجد طباطبایی

مسجد اعظم

صحن های حرم مطهر

صحن نو " اتابکی "

صحن عتيق " قديم "

بخش هشتم : زيارتنامه حضرت فاطمه معصومه (ع)

متن زيارتنامه با سند

ترجمه زيارتنامه

منابع و مدارك

بسم الله الرحمن الرحيم

فروغي از كوثر

سخن ما

گرچه از نظر فلسفي زمان ها و مكان ها از جهت زماني و مكاني هيچ امتيازي بريكديگر ندارند ؛ ولي از منظر ديني و باتوجه به تاثير ارزش هاي الهي، برخي از زمانها و مكانها از قداست و مكانت ويژه اي برخوردارند و نسبت به ديگر اجزاء زماني و مكاني امتياز خاصي دارند: كه برتري شب قدر از هزار ماه

عبادت و شب مبارك بودنش به برکت نزول قرآن كريم بوده و این
بروز رخدادهای آسمانی و ظهور نشانه های الهی است که برخی
از روزها را "ایام الله" ساخته است . چنانچه با نزول آغازین
آیات نور برجان پاک نبوی و ابلاغ رسالت محمدی(ص) توسط
فرشته وحی، کوه حرا، جبل النور و تجلیگاه جمال و جلال ربوبی
شد و شهر مکه و کعبه معظمه با حضور پیامبر رحمت شکوه و
عظمتی دوباره یافت و هجرت حضرتش به شهر یثرب آن را
مدینه النبی ساخت. و این قیام خونین و حیاتبخش حسینی
در سرزمین نینوا و قداست و طهارت ثار الهی حضرت
سیدالشهدا بود که کربلا را بر کعبه برتری داد و تربتش را طینت
عرشی و عطربهشتی عطا نمود. و اگر از شهر قم در قاموس
سراسر نور اهلبیت، به عظمت و بزرگی یاد شده به آن جهت
است که ، همواره این دیار مقدس مرکز نشر فرهنگ و معارف
نورانی اهلبیت و خاک پاکش مهد تربیت رجال بزرگ و نامدار علم
و دانش بوده و آسمان رفیع فرهنگش با سیمای فرزندگان فقه

وحدیث و معارف دینی فروزنده است. درخشش نام قم و قمی را
در پرتو احادیث و اخبار امامان معصوم و دلباختگی مردان
خداجویش به آل رسول جستجو باید کرد. اما این همه نبود جز
از برکات هجرت کریمه اهل بیت و اجلال نزول و غروب غمباران
نجمه آسمان روایت در دیار عاشقان امامت؛ او که بارگاه رفیعش
جلوه ای از بهشت برین و مدفن شریفش مطاف عرشیان و ملجأ
و معبد صالحان و نقطه امید دین باوران است. توجه به موقعیت
خاص شهر قم و مشاهده بی کران معنویت و شکوه این کوکب
دری آسمان عفاف حضرت فاطمه معصومه (ع) بود که برخی
صاحبان فضل و قلم را بر آن داشت که دلباختگان خاندان
عصمت به ویژه نسل جوان را به گوشه ای از آن عظمت آشنا
ساخته و آثار ارزشمندی را در این رابطه به جامعه دینی ارائه
نمایند. که از جمله آنها است اثر گرانقدر جناب حجة الاسلام
والمسلمین آقای الیاس محمد بیگی (صادقی) تحت عنوان "فروغی
از کوثر" که در برگزیده پیشینه های درخشان شهر قم و جلوه ای

از زندگانی و فضایل و کرامت های حضرت فاطمه معصومه
(ع) (و مطالب متنوع دیگری می باشد. ما خادمان فرهنگی
آستانه مقدسه کریمه اهل بیت خدای را شاکریم، در سالی که به
نام امام علی بن ابی طالب (ع) نامگذاری شده، توفیق تجدید چاپ
و نشر این اثر را به ما ارزانی داشت. در پایان از مساعدت تولیت
معظم آستانه مقدسه حضرت آیه الله مسعودی و معاون محترم
ایشان جناب آقای فقیه میرزایی در جهت تحقق این مهم تشکر می
نماییم ؛ امید آن که همواره توفیق الهی در جهت ارائه خدمات
فرهنگی بیشتر به جامعه دینی رفیق راهشان باشد .

پیشگفتار

آشنایی با موقعیت جغرافیایی و پیشینه تاریخی ، سیاسی ،
اجتماعی هر سرزمین گرچه به جای خود ارزشمند بوده
و بر اطلاعات عمومی انسان می افزاید ؛ ولی شناخت بعضی از

سرزمین ها به خاطر نقش اساسی نخبگان و فرهیختگان آن سامان، درپایه گذاری و ترویج فرهنگ و معارف حیاتبخش دینی و تحکیم عقاید اسلامی و سوابق درخشان آن، از ارزش و اهمیت مضاعفی برخوردار است. که یکی از این سرزمین های ممتاز، شهر قم می باشد ؛ دیار مقدسی که در طول تاریخ اسلام از بزرگترین مراکز نشر معارف حیاتبخش شیعه به شمار آمده و تربیت یافتگان مکتب فقه و حدیثش احیاگر مظاهر فرهنگ غنی اهلبیت (ع) بودند ؛ و مردمان خداجوی آن طلایه داری نهضت های علمی ، فرهنگی ، سیاسی و رهبری قیامهای حق طلبانه مردمی در برابر حاکمان ستم پیشه را به عهده داشتند. بدینسان اهل قم ، قیام را عینیت بخشیدند و قم در طول تاریخ چونان خورشیدی تابان درخشید و نور و تحرک آن آزادیخواهان مسلمان را به حرکت در آورد و نام قم در دنیا مرادف با قداست و پایداری و شجاعت گردید. و به خاطر همین جایگاه عظیم ، قم در قاموس سراسر نور رهبران معصوم (ع) بعنوان حریم امن

ولایت و کاشانه آل محمد و سرچشمه جوشان علوم و معارف
خاندان رسالت معرفی شد ؛ و مردمان خدا باورش پیراوان
راستین اهل بیت و یاوران مهدی امت و زمینه سازان حکومت
جهانی حضرتش شناخته شدند. و شکوه و عظمت این دیار
مقدس، آنگاه فزونی یافت که خاک پاکش، بارگاه ملکوتی بزرگ
یادگار آل رسول و عصاره فضایل آل بتول "حضرت فاطمه
معصومه - سلام الله علیها -" گردید ؛ و هجرت زینب گونه و
رحلت جانسوز حضرتش در این سرزمین، حرم اهل بیت بودن
آن را تفسیر نمود ؛ و با جلال و جمال فاطمی خود، قبول تجلیگاه
انوار تابناک ائمه هدی (ع) قرارداد. و سرانجام قم این پایگاه عظیم
ولایت علوی و حوزه فقاہت جعفری بود که خاستگاه انقلابی بی
نظیر، به رهبری پیشوای حکیم و فرزانه "حضرت امام
خمینی" گردید که حکومت اسلامی به بار آمده از آن ایران زمین را
نقطه امید مستضعفان سراسر گیتی و شهر قم را مرکز ام القرای
جهان اسلام قرار داد. حکومت الهی که امروز به رهبری

حضرت آیه الله خامنه ای دام ظلّه راه تعالی و ترقی خود را طی می کند این همه، انسان را بر شناختی عمیق و همه جانبه از پیشینه درخشان این دیار پاک و معرفت و آگاهی فراگیر از ابعاد مختلف شخصیتی بزرگ بانوی عالم اسلام حضرت فاطمه معصومه (ع) (وامی دارد که بدون شك اهل قلم و نویسندگان متعهد، در جهت ارائه چنین شناختی به جامعه، رسالتی عظیم به عهده دارند؛ چنانچه تا کنون در این رابطه آثار ارزشمندی، توسط برخی از صاحبان اهل قلم نگاشته شده است ما هم در حدّ توان عصاره ای از این آثار گرانقدر را در ۹ بخش گردآوری نمودیم و این اثر را به عنوان "فروغی از کوثر" که چیزی جز حاصل عنایت آن حضرت نبوده به روح بلند آن زینت دوران اهدا می نماییم به آن امید که مورد قبول افتد و همواره لطف و کرم آن بزرگوار رهین راهمان باشد. و از آنجا که مجموعه حاضر به عنوان اولین اثر نگارنده، خالی از نقص و

ايراد نيست نظر اصلاحي همه عزيزان را با جان و دل
پذيراييم .

و ما توفيقى الا بالله
الياس محمد بيگي "

"صادقي"

بخش اول :

پيشينه هاي درخشان شهر قم

پيشينه تاريخي شهرقم:

بعضي قائل به قدمت شهرقم بوده و آن را از بلاد باستاني
دانسته اند و به شواهد و قرائني هم استدلال نموده اند از قبيل ذكر
" زعفران قمي " دركتابي كه مربوط به عصر سا سا نيان است

وآمدن نام قم در شاهنامه فردوسی ضمن بیان حوادث سال ۲۳ هـ. ق و اینکه قم و ساوه به دست "تهمورث پیشدادي" بنا نهاده شده است. ولی این شواهد و قرائن مدعا را ثابت نمی کند برای این که موقعیت جغرافیایی و طبیعی سرزمین قم در عصر سا سا نیان برای بنای شهری در آن جا مساعد نبوده است و ساخت چنین شهری بدست تهمورث از افسانه های باستانی است که هیچ ارزش تاریخی ندارد. و ذکر نام قم در شاهنامه دلیل بر این نمی شود که در سال ۲۳ هـ. ق هم آن سرزمین به همین نام بوده برای اینکه فردوسی در اشعار خود نام محل فتوحات را به اسامی معروف زمان خودش معرفی کرده است نه به اسامی زمان خود فتوحات و در اسناد تاریخی و گزارشات فتوحات ایران به خلیفه مسلمین از سرزمین قم به عنوان (شق ثیمره) نام برده اند. بنابراین شهر قم هم، مانند شهر نجف و کربلا و مشهد مقدس از شهرهای نوظهور اسلامی است که موجبات موجودیت آن را باید در جهات مذهبی، سیاسی جستجو کرد.⁽¹⁾

هجرت خاندان اشعري به قم :

قم از بناهاي اسلامي است که با ورود اعراب اشعري⁽²⁾ به این سرزمین و سکونت در آن و ساختن خانه ها و پیوستن حصارهاي موجود بهم ، در سال ۸۳هـ. ق⁽³⁾ موجودیت یافت و نام قم بر آن نهاده شد. در این جا لازم است در خصوص مهاجرت اعراب اشعري به این سرزمین توضیح بیشتری داده شود: "خاندان اشعري" به خاطر نا سازگاري با "حجاج" حاکم کوفه و کشته شدن يکي از افراد برجسته آن خانواده و احساس نا امني ، جلاء وطن نمودند و به سوي ايران حرکت کردند ؛ در مسیر حرکت خود به نهاوند رسیدند و عدّه اي از آنها در اثر ابتلاي به وبا از دنیا رفتند ، به همین جهت از آنجا حرکت کردند و به تدریج راهپیمایی نموده تا به سرزمین قم رسیدند. این که علت آمدن آنها به قم چه بود مطلبي است که باید آن را

در فتوحات جدّ ایشان " مالک " درنبرد قادسیه جستجو کرد : مالک بعد از فتح فراهان و تفرش و آشتیان و ساوه، با قوم دیلم که دست به چپاول اموال و تجاوز به نوامیس ساکنین آن نواحی گشوده بودند وارد نبرد شد و آنها را ریشه کن و نابود کرده و نوامیس به اسارت برده شده را آزاد کرد. مردم آن سامان که خود را آزاد شده مالک می دانستند از این حادثه همیشه خاطره شیرینی داشتند. قبیله اشعری هم که با نام این دیار آشنا بودند، برای پیدا کردن مرتع و چراگاه احشام راهی این سرزمین شدند وقتی که به تقرود از نواحی ساوه رسیدند احوص آنجا را سرزمینی سرسبز و مناسب برای احشام خود یافت و در فکرتوطن در آنجا برآمد. منزلگاه اعراب در دامنه کوه یزدان (میانه تقرود و قم) بود. به همین جهت به تدریج خبر ورود خاندان اشعری به یزدان پایدار (یزدانفازار) رئیس زردتشیان رسید. او از ورود آنان بسیار خرسند شد و تصمیم گرفت برای حفظ و حمایت سرزمین خویش از حمله دیلمان آنها را در

سرزمین قم منزل و مأوی دهد، که سرکوبی قوم چپاولگر دیلم "

در حمله مجدد آنان به آن مناطق"، به دست احوص و همراهانش

او را بر این امر مصمم تر نمود و با شنیدن خبر پیروزی شخصاً

به استقبال احوص شتافت و به عنوان تقدیر و تشویق بر سر او

درهم و زعفران ریخت و قوم او را در میان چند حصار

معروف آن زمان جای داد و آنها چادرهای خویش را در

فواصل حصارها برپا کرده و برای عبدالله (برادر احوص)

مسجدي جهت اقامه نماز و بیان مقررات نورانی اسلام بنا کردند

و آنچنان زردتشتیان با مسلمانان صمیمیت و محبت یافتند که با

هم عهدنامه برادری و مواسات و پیمان دفاعی امضاء نمودند.

بدینسان اعراب مسلمان، روز به روز محل سکونت خود را

وسعت داده و خانه ها و مزارع بسیاری را خریداری کردند و

حصارهای جدایی از هم به واسطه ساخته شده خانه های نو

بنیاد، به هم متصل شدند و شهری یکپارچه بوجود آمد و اولین

مسجد در آن شهر بنا نهاده شد. پیمان یاد شده تا آخر عمر

یزدانفازار بخوبي اجرا مي شد و دو قوم زردتشت و مسلمان با هم زندگي مسالمت آميزي داشتند ؛ ولي پس از او فرزندان با دیدن حشمت و ثروت روز افزون مسلمانان و خانه هاي وسيع و مجلل آنان، خود را در برابر آنها ذليل و خوار دیده و در اندیشه نا سازگاري برآمدند و بنا را بر پيمان شکني گذاشتند و از عبدالله و احوص ، " بزرگان خاندان اشعري " مصرّانه خواستند که با قوم خود از آن سرزمين بيرون روند. عبدالله و احوص آنها را پند و اندرز فراوان داده و آنها را دعوت به پايبندي به عهد و پيمان برادري نمودند و از عواقب سوء عهد شکني بر حذر داشتند، ولي قوم زردتشت همچنان برخواسته خود پافشاري مي کردند و تا چهاردهم سال نو به خاندان اشعري مهلت دادند تا هر چه دارند بفروشند و از آن ديار بروند. در اين فاصله زماني احوص بعد از مشورت با بزرگانه قبيله، تصميم گرفت شب چهارشنبه آخر سال ، آن ديار را از شرّ سران زردتشت و بزرگان حصارهاي چهلگانه ، پاك نمايد و راه را براي گرويدن

مردم پاك سرشت آن سامان به اسلام بگشاید. لذا چهل نفر را مأمور ساخت که درچنین شبی درهنگامه جشن و شادمانی و میگساری زردشتیان ، خود را به حصارها رسانده و خدایان حصارها را نابود نمایند. این نقشه به خوبی اجرا شد و سران فتنه انگیز زردشتیان آن شهر از میان برداشته شدند و دژهای کفر و لجاجت فرو ریخت و مردم آن منطقه با احساس آزادی ، گروه گروه به اسلام گرویدند و آتشکده ها یکی پس از دیگری خاموش و به مساجد تبدیل شدند و بدینسان مردم مسلمان به رهبری احوص و عبدالله اشعری براین منطقه سروری یافتند⁽⁴⁾ ، و شهر قم به عنوان شهری امامی مذهب بوجود آمد و مکتب فقه شیعه امامی به دست "عبدالله بن سعد" و پسران او در این شهر بنا نهاده شد و به مرور زمان قم به عنوان شهری " پیرو فقه اهل بیت (ع) ، "همچون ستاره ای درخشان بر آسمان عالم اسلام درخشیدن گرفت و به تدریج این شهر مأوی و مأمن

پیروان امامت و ولایت شد که تعداد شیعیان مهاجران به ۶۰۰۰ نفر می رسید . (5)

پیشینه فرهنگی سیاسی شهر قم :

مردم قم چنان اهمیت و عظمت یافتند که گوئی در کشور نیمه مستقل کوچکی در " قلب دارالاسلام " زندگی می کردند ، چنانچه از آغاز ظهور خلفای عباسی در سال ۱۳۲هـ . ق تا اواخر دوره خلافت هارون از دادن خراج به حکوت وقت خودداری می کردند و هیچ يك از خلفا توان و جرأت مقابله با آنان را نداشت. در زمان هارون عباسی که فرمانروایی اسلامی ، حداکثر توسعه را یافت و در سال ۱۸۴هـ . ق هارون تصمیم گرفت صحابه و دوستان اهل بیت (ع) را تحت فشار قرار دهد و قم این کانون ضدّ ظلم و ستم را سرکوب نماید. لذا هارون "عبدالله بن کوشید قمي" را به حکومت اصفهان (که قم از

توابع آن بود) گماشت تا مالیات پنجاه و چند ساله قم را وصول نماید. او هم برادر خود "عاصم" را عامل قم قرارداد، عاصم پس از شکنجه و اذیت و آزار مردم حتی یکدرهم از مالیات معوقه را هم وصول نکرد ولی همچنان برفشار خود افزود تا اینکه عده ای از اهالی و بزرگان شهر زبان به شفاعت گشودند ولی به نتیجه ای نرسیدند. بعد از بی نتیجه بودن این وساطتها "عاصم" به دست عده ای، از جان گذشته به هلاکت رسید. همین حادثه باعث عزل عبدالله از حکومت اصفهان شد ولی عبدالله به دارالخلافه شتافت و با پرداخت يك ميليون درهم خواستار بازگشت به سمت قبلي خود شد، به شرط اینکه قم از تابعیت اصفهان خارج شود. سرانجام با توضیحات قانع کننده او و بیانات "حمزه بن الیسع" - از بزرگان قم - و عهده دار شدن خراج شهر، هارون استقلال شهر قم را پذیرفت و بدینسان این شهر استقلال سیاسی یافت و پس از تعیین حدود آن، مسجد جامع با منبري براي امام جمعه (که نشانه استقلال هر ناحیه بود) در آن

ساخته شد. (6) هنگام استقلال در این سرزمین دو شهر وجود داشت یکی شهر جدید اسلامی بنام "قم" و دیگری شهر زردشتیان بنام "کمیدان" که عمال حکومتی و زندان شهر در آنجا بودند چرا که اهل قم عمال حکومت را به شهر خود راه نمی دادند .

مبارزه بی امان مردم قم با ستمگران :

مردم قم با حاکمان ستمگر زمان خود همیشه سر ناسازگاری داشتند، و در زمانهای مناسب در برابر آنان دست به شورش و انقلاب می زدند و از پرداخت مالیات و حمایت اقتصادی حکومت مرکزی خودداری می کردند. بعد از شهادت حضرت رضا (ع) در سال ۲۰۳هـ. ق و پی بردن مردم قم به جنایت مأمون و دستگاه خلافت ، به عنوان اعتراض به این فاجعه عظیم و اعلان حمایت از حریم مقدس ولایت و امامت ، مردم

دست به انقلابي بي سابقه زدند و در برابر حاکمان عبا سي دست به تمرد زدند، و از دادن خراج و ماليات سالانه شهر خودداري کردند. اين انقلاب همگاني حدود ۱۰ سال ادامه داشت و سرانجام با يورش سپاهيان حکومتي به فرماندهي "علي بن هشام" به شهر ، عده اي از سران شهر همراه " يحيي بن عمران" - بزرگ قميين که اين نهضت عظيم مردمی را سازماندهي مي کرد- کشته شدند و قسمتي از شهر خراب گرديد و مالياتهاي گذشته وصول شد. مردم به تدريج به عمران شهر پرداختند و تا سال ۲۱۶ هـ . ق شهر اوضاع آرامي داشت. درهمين سال، " زمان خلافت معتصم" بود که مردم به دارالحکومه قم حمله کردند و عامل حکومت (طلحي) را از شهر بيرون رانده و علم مخالفت برافراشتند. معتصم به تحريك (طلحي) سپاهي را به فرماندهي " و صيف ترك" مأمور سرکوبي اهالي کرد، و او همراه حاکم رانده شده قم به هر حيله اي بود به داخل شهر رخنه نمود و سپاهيانش به قتل و غارت

اهالی پرداختند و خانه ها و باغ های افراد انقلابی را آتش زدند و شهر را به تلی از خاکستر مبدل نمودند. ولی این همه ، نتیجه ای جز برافروخته شدن خشم عمومی مردم نداشت. لذا پس از مواجه شدن سپاه با اعتراض و مخالفت مردمی، فردی به نام " محمد بن عیسی باد غیسی " - که فردی خوشخو و صدیق بود- به حکومت قم گماشته شد ؛ حاکم جدید با درایت خاصی که داشت رضایت مردم را جلب نمود و بذر مودتی بین آنها پاشید که تا سال ۲۴۵هـ. ق در این شهر حادثه خونینی پیش نیامد. بالاخره در زمان خلافت متوکل ، - که او فردی جسور و لابالی بود و از اهانت به مقدّسات دین و بزرگان اسلام هراسی نداشت " مانند تظاهر او به سبّ علی (ع) و صدیقه طاهره (ع) در مجالس عمومی و تخریب مرقد سیّد الشهداء (ع) - مردم عاشق ولایت و امامت قم با دیدن این جسارتها و اهانت ها که به ساحت مقدّس بزرگان دین می شد ، آنچنانچه برآشفتمند که در فرصت مناسب با تقویت معارضین حکومت عباسی همچون

حسین کوکبی - که از اشراف سادات علوی بود- دولت علوی کوچکی تشکیل دادند و عمال حکومتی را خلع ید کردند و تا سه سال این حکومت برقرار بود. که سرانجام معتمد عباسی حاکم " بلاد جبل " را مأمور براندازی حکومت علویون و سرکوب نهضت قمیون کرد و او با سپاهی فراوان پس از سرنگون کردن حکومت حسین کوکبی ، اهالی قم را سرکوب و سران آنها را کشت و عده ای را زندانی کرد و در ظلم و ستم به مردم تا آنجا پیش رفت که آنها برای درمان ماندن از شر او به امام حسن عسگری(ع) پناهنده شدند و حضرت برای رهایی از این شر عظیم دعایی به آنان تعلیم فرمود که در نماز شب بخوانند. این سرکوبهای خونین هیچ تأثیری در خاموشی شعله های انقلاب و قیام علیه ظلم و ستم نداشت و لذا مردم قم به مجرد درگیری معتمد با یعقوب لیث (در سال ۲۶۳هـ . ق) و ضعف نیروهای تهاجمی او مجدداً در برابر او به قیام برخاستند. این انقلاب و شورش گاه و بیگاه وجود داشت تا اینکه در زمان متضد عباسی

، " يحيي بن اسحاق " که از طائفه امامیه بود به عنوان حاکم قم منصوب شد و او که شخصي ملایم و پرتجربه بود کوشش کرد تا از بغض و کینه مردم نسبت به خلفا بکاهد و از بوجود آمدن شورش های متوالي جلوگیری نماید. او در این راه موفق شد و با آرامش نسبي شهر، و با همکاری او ، اقدامات اساسي در شهر صورت گرفت که از آن جمله : خاموش کردن آخرین آتشکده این سرزمین و بنای مأذنه و مناره عظیمي در کنار مسجد " ابوالصدّیم اشعري" بود که صدای اذان را به هر دو قسمت شهر می رساند. (7)

انقلاب فرهنگی سیاسي:

در همین زمان بود که "علي بن بابویه" با ریاست و مرجعیّت عامّه خود مکتب پربرکت و بي نظيري را در قم تأسیس کرد که آمار تربیت شدگان آن مرکز بزرگ علمي و محدثین عصر

ایشان ، تا دویست هزارتن نقل شده است.⁽⁸⁾ با طلوع ستاره " بابویه" بود که روش مبارزه مردم با دستگاه خلافت تغییر کلی یافت و آنها به مبارزات اصولی پرداختند، از طرفی پسران (بویه) و حکومتهایی از آل علی (ع) را در طبرستان به نام ناصر کبیر، و ناصر صغیر روی کار آوردند. از طرفی گروهی از دانشمندان اسلامی برای تبلیغ و ترویج مبانی و معارف دینی از قم به خدمت امرا شتافته و اکثر ایشان به مقام وزارت و امارت و ریاست رسیدند و نام وزرای قمی، زینت بخش تاریخ سیاست و حکومت شد. وزارت " استاد ابن العمید" درحکومت " رکن الدوله دیلمی" پس از مشورت با مرحوم ابن بابویه و صلاحدید آن بزرگوار بود ؛ که هجرت علمی مرحوم شیخ صدوق از قم به ری (بنا به دعوت استاد ابن العمید) و آثار گرانقدر علمی ، فرهنگی این هجرت مقدس همه از برکات این اقدام سیاسی زعیم بزرگ درآن دوران می باشد. چنانچه سفر مرحوم " ابن قولویه" به بغداد و تأسیس مکتب فقه جعفری در

مسجد "براثا" و دهها اقدامات علمی، فرهنگی که در سراسر عالم اسلام صورت گرفت همه و همه از برکات مکتب "مرحوم ابن بابویه" در قم بود. و سرانجام این مکتب پر بار بود که انقلاب عظیم فرهنگی، سیاسی، را جایگزین انقلاب های محلی کرد و پست های کلیدی سیاست و فرهنگ جامعه را در اختیار تربیت یافتگان مکتب اهل بیت (ع) (قرار داد تا بشریت تشنه حکومت عدل و معارف شیعه را به سرچشمه گوارای اسلام حقیقی و تشیع علوی رهنمون سازند.⁽⁹⁾ و در طول تاریخ همواره قم به عنوان منبع جوشان علم و معارف اسلامی بوده و تربیت یافتگان حوزه پربرکت آن به عنوان پاسداران امین اصالت دینی و فرهنگی، سیاسی جامعه دینی شناخته شده اند و تا به امروز قم چون ستاره ای نورانی و مشعلی فروزان دلیل راه میلیونها مسلمان بوده و رهپویان راه حقیقت را به سر منزل مقصود رهنمون ساخته است و سرانجام این دیار خون و قیام بود که خاستگاه انقلابی شکوهمند به رهبری قائد عظیم الشأن حضرت

امام خميني شد و ثمره آن نظامي اسلامي گرديد كه امروز
پايگاه عظيم حق طلبان مسلمان و نقطه اميد مستضعفان و
محرومان سراسر جهان به شمار مي آيد و اكنون به حقيقت مي
توان گفت كه : ايران اسلامي ام القراي عالم اسلام و قم قبه
الاسلام و حرم اهل بيت و كاشانه آل رسول است .

پيشينه درخشان مذهبي شهر قم :

جايگاه ممتاز و بي نظير قم از نظر مذهبي و روحاني غير قابل
انكار است ؛ چرا كه اين شهر از آغاز موجوديت تا امروز در
طول سيزده قرن پايتخت شيعه اماميه خوانده شده و مهد دانش و
فضيلت و سرچشمه جوشان حكمت و معرفت بوده است .
خدمات برجسته و مساعي ارزنده دانشمندان قم در راه احياي
آيين تشيع و نشر معارف ديني و فرهنگ پربار اسلامي به حدّي
بود كه تاج كرامت ابدي ديني برتارك شريف آنان نهاده شد كه :

"لولا القميون لضاع الدين".⁽¹⁰⁾ آري قم شهري است كه خشت اول معنويت آن گروهی از صحابه و دوستان ائمه (ع) از اعراب اشعري با مصالح ايمان و ملات تولي بكارگذاشته و شالوده اين شهر مقدس را از سال ۸۳ هـ . ق⁽¹¹⁾ و در دوران امام باقر و امام صادق (ع) طرح ريزي نمودند. اين شهر در مركز فرمانروايي اسلامي چون كشوري مستقل و با مقرراتي خاص اداره مي شد و از مزايا و ويژگيهاي برخوردار بود و حتي در دوران اختناق حاكم بر اماميه هم مردم قم بدون تقيه با كمال آزادي عقیده در اين ديار مقدس به جمع آوري آثار و اخبار آل محمد و تدوين آنها پرداختند و در سرود آسماني اذان بر فراز ارتفاعات با صدای رسا بر ولايت علي (ع) شهادت مي دادند. مکتب اماميه اولين بار توسط اعراب اشعري در قم افتتاح گرديد كه فقه شيعه به طور رسمي و علني در آن تدریس مي شد و مشعل هدايت و ارشاد در اين شهر فروزان گرديد و تربيت يا فتگان اين مکتب الهي بر ساير بلاد اسلامي نور افشاني

کردند. (12) بدین جهت اهل قم همیشه مورد عنایات خاصه ائمه

معصومین (ع) بودند و سخنان ارزشمندی را در بیان عظمت و

فضیلت قم و اهل آن فرمودند که برگزیده ای از آنها را در اینجا

ذکر می کنیم -1 : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): " لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى

السَّمَاءِ حَمَلَنِي جِبْرَائِيلُ عَلَي كَتِفِهِ الْأَيْمَنِ فَنَظَرْتُ إِلَى بُقْعَةٍ بِأَرْضِ

الْجَبَلِ حَمْرَاءَ أَحْسَنَ لَوْنًا مِنَ الزَّعْفَرَانِ وَ أَطْيَبَ رِيحًا مِنَ الْمِسْكِ

، فَإِذَا فِيهَا شَيْخٌ عَلَي رَأْسِهِ بُرْنُسٌ ، فَقُلْتُ لِجِبْرَائِيلَ : مَا هَذِهِ الْبُقْعَةُ

الْحَمْرَاءُ الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ لَوْنًا مِنَ الزَّعْفَرَانِ وَ أَطْيَبَ رِيحًا مِنَ

الْمِسْكِ؟

قَالَ : بُقْعَةُ شِيعَتِكَ وَ شِيعَةَ وَصِيِّكَ عَلِيٍّ . فَقُلْتُ : مَنْ الشَّيْخُ صَاحِبُ

؟

الْبُرْنُسِ

قَالَ : إِبْلِيسُ . قُلْتُ : فَمَا يُرِيدُ مِنْهُمْ ؟ قَالَ : يُرِيدُ أَنْ يَصُدَّهُمْ عَنْ

وَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَيَدْعُوهُمْ إِلَى الْفِسْقِ وَ الْفُجُورِ . فَقُلْتُ : يَا

جِبْرَائِيلُ أَهْوَيْنَا إِلَيْهِمْ ، فَأَهْوَى بِنَا إِلَيْهِمْ أَسْرَعُ مِنَ الْبَرْقِ الْخَاطِفِ

وَ الْبَصَرَ اللَّامِعَ .

قَالَتْ : فَمَ يَا مَلْعُونُ! فَشَارَكَ أَعْدَائَهُمْ فِي أَمْوَالِهِمْ وَ أَوْلَادِهِمْ وَ

نِسَائِهِمْ ، فَإِنَّ شِيعَتِي وَ شِيعَةَ عَلِيٍّ لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ . فَسُمِّيَتْ

فَمَ : " (13)

رسول خدا) ص) می فرماید : " هنگامی که خداوند مرا به

آسمانها عروج داد، جبرئیل مرا بر شانه راستش حمل می کرد ؛

در این هنگام به سرزمینی در " ارض جبل " نگاه کردم که سرخ

رنگ و خوش رنگتر از زعفران و خوشبوتر از مشک بود.

ناگهان دیدم در آن سرزمین پیری قرار دارد که کلاه درازی بر

سر نهاده است . از جبرئیل پرسیدم : این سرزمین سرخ رنگ

و خوش رنگتر از زعفران و خوشبوتر از مشک کجاست؟ گفت

: جایگاه شیعیان تو و شیعیان وصی تو علی (ع) است . گفتم :

این پیرمرد کیست ؟ گفت ابلیس است ، گفتم : از آنها چه می

خواهد؟ گفت: می خواهد تا آنان را از دوستی و ولایت

امیرالمؤمنین (ع) باز دارد و به نا فرمانی و گناه دعوتشان کند.

گفتم : ای جبرئیل ما را به آن مکان ببر. با حرکتی سریع تر از

برق ما را به آنجا رساند. گفتیم : ای ملعون برخیز و برو ، و در اموال و اولاد و زنان دشمنان ایشان شرکت کن ، زیرا ، تو را بر شیعیان من و علی فرمانروایی نیست " . از این رو ، آن مکان قم نامیده شد . "

2- قَالَ الْإِمَامُ الصَّادِقُ (ع) : (إِنَّمَا سُمِّيَ قُمْ لِأَنَّ أَهْلَهُ يَجْتَمِعُونَ مَعَ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ وَ يَفُومُونَ مَعَهُ وَ يَسْتَقِيمُونَ عَلَيْهِ وَ يَنْصُرُونَهُ : (14)

امام صادق (ع) می فرماید : " قم را ، قم نامیده اند زیرا اهل قم ، با قائم آل محمد (ع) (اجتماع می کنند و با آن حضرت) بر ضد طاغوتها) قیام می نمایند ، و با کمال استقامت و استواری به یاری او می پردازند . "

3- قَالَ الْإِمَامُ الْكَاسِمُ (ع) : " قُمْ عَشُّ آلِ مُحَمَّدٍ وَمَأْوَى شِيعَتِهِمْ "

:(15)

امام کاظم (ع) فرمود : " قم آشیانه آل محمد (ص) و پناهگاه

شیعیان

آنهاست

"

4- قال الامام الرضا (ع) : " انَّ لِلجَنَّةِ ثَمَانِيَةَ اَبْوَابٍ ، وَ لِاهْلِ قَمِّ

وَاحِدٍ مِنْهَا ، فَطُوبَى لَهُمْ ، ثُمَّ طُوبَى لَهُمْ ، ثُمَّ طُوبَى لَهُمْ : " (16)

حضرت رضا (ع) می فرماید : " بهشت داراي هشت در است ،

يكي از آنها براي قمي هاست. پس سه مرتبه فرمود : خوشا به

"

حالشان

5- قال الامام الصادق (ع) : " (سَيَأْتِي زَمَانٌ تَكُونُ بَلَدُهُ قَمٌّ وَ

اهْلُهَا حُجَّةٌ عَلَيِ الْخَلَائِقِ وَ ذَلِكَ فِي زَمَانٍ غَيْبَةِ قَائِمِنَا اِلَي

:" (17)

ظهوره

امام صادق (ع) فرمود : " زماني مي آيد كه شهر قم و اهل آن

حجت بر تمام مردم خواهند بود و اين (موضوع) در زمان

غيبت امام زمان (ع) مي باشد تا ظهور آن حضرت . "

6- قال الإمام الصادق (ع) : تُرَبُّهُ قَمٌّ مُقَدَّسَةٌ وَ اَهْلُهَا مِنَّا وَ نَحْنُ

مِنْهُمْ لَا يُرِيدُهُمْ جَبَّارٌ يَسُوءُ اِلَّا عَجَّلَتْ مَالَمْ يَخُونُوا اِخْوَانَهُمْ : "

امام صادق (ع) فرمود : " تربت قم مقدّس است و مردم قم از (شیعیان) ما هستند ، و ما هم از آنها هستیم ، هیچ ستمگری قصد بد ، به اهل قم نمی کند مگر اینکه در عذاب او تعجیل می شود تا وقتی که مردم به برادران (دینی) خود خیانت نکنند . "

7- قَالَ الْإِمَامُ الصَّادِقُ (ع) : " مَحْشَرُ النَّاسِ كُلُّهُمْ إِلَى بَيْتِ

الْمُقَدَّسِ إِلَّا بُقْعَةً بِأَرْضِ الْجَبَلِ يُقَالُ لَهَا : فَمَ فَإِنَّهُمْ يُحَاسِبُونَ فِي

حَقْرِهِمْ وَ يُحْشَرُونَ مِنْ حَقْرِهِمْ إِلَى الْجَنَّةِ: "(19)"

امام صادق (ع) فرمود: " جایگاه حشر همه مردم به سوی بیت المقدس است ؛ مگر (مردم) سرزمینی از بلاد " جبل " که آن را " قم " گویند، آنها در قبرهایشان (در همان سرزمین) به حسابشان رسیدگی می شود و از همانجا به سوی بهشت محشور خواهند شد "

8- عَنْ الْإِمَامِ الصَّادِقِ (ع) : (أَنَّهُ (ع) أَشَارَ إِلَى عَيْسَى بْنِ

عَبْدِ اللَّهِ) فَقَالَ : " سَلَامُ اللَّهِ عَلَي أَهْلِهِمْ ، يُسْقِي اللَّهُ يَلَادَهُمْ الْعَيْثَ وَ
يُنْزِلُ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْبَرَكَاتِ وَ يَبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ ، هُمْ أَهْلُ
رُكُوعٍ وَ سُجُودٍ وَ قِيَامٍ وَ قُعُودٍ ، هُمْ الْفُقَهَاءُ الْفُهَمَاءُ ، هُمْ أَهْلُ
الدَّرَايَةِ وَ الرَّوَايَةِ وَ حَسَنِ الْعِبَادَةِ:" (20)

امام صادق (ع) (به عیسی بن عبدالله قمی اشاره کرد) و
فرمود: " سلام خدا بر اهل قم ، خدا شهرهایشان را از باران
رحمتش سیراب گرداند و برکاتش را بر آنان فرود آرد و
گناهانشان را به خوبیها و حسنات مبدل فرماید ، آنها اهل رکوع
و سجود و قیام و قعودند. آنان فقیه و دانشمند هستند. آنان اهل درک
حقایق و روایت و عبادت نیکو می باشند ."

9- قَالَ أَبُو الصَّلْتِ الْهَرَوِيُّ كُنْتُ عِنْدَ الرِّضَا (ع) فَدَخَلَ عَلَيْهِ قَوْمٌ
مِنْ أَهْلِ قُمْ فَسَلَّمُوا عَلَيْهِ فَرَدَّ عَلَيْهِمْ وَ قَرَّبَهُمْ . ثُمَّ قَالَ لَهُمْ : "
مَرْحَبًا بِكُمْ وَ أَهْلًا! فَأَنْتُمْ شِيعَتُنَا حَقًّا:" (21)

ابا صلت می گوید : خدمت امام رضا (ع) بودم ، گروهی از
اهل قم بر ایشان وارد شدند، به امام سلام کردند. امام (ع)

جواب سلامشان را داد و آنان را نزدیک خود نشاند سپس فرمود " :مرحبا بر شما ، خوش آمدید! شما شیعیان راستین ما هستيد "

10- قال الامام الصادق (ع) : سَتَخْلُوكُوفَهُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ يَأْزُرُ عَنْهَا الْعِلْمُ كَمَا تَأْزُرُ الْحَيَّةُ فِي جُحْرِهَا ، ثُمَّ يَظْهَرُ الْعِلْمُ بِبَلَدَةٍ يُقَالُ لَهَا قَمٌ ، وَيَصِيرُ مَعْدِنًا لِلْعِلْمِ وَ الْفَضْلِ: " (22)

امام صادق (ع) فرمود : " کوفه بزودي از مؤمنان خالي مي شود و علم از آن جمع مي شود همانطور که مار در لانه اش جمع مي شود ، سپس علم و دانش در شهري که به آن و "قم" مي گویند ، ظاهر مي شود و آنجا مرکز علم و فضيلت مي گردد "

11- رَوَى بَعْضُ أَصْحَابِنَا قَالَ : كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) جَالِسًا إِذْ قَرَأَ هَذِهِ الْآيَةَ : " فَإِذَا جَاءَ وَعَدُّ أَوْلِيَهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَا سُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَ كَانَ وَعَدًا مَفْعُولًا " (23)

فَقُلْنَا : جُعِلْنَا فِدَاكَ ، مَنْ هُوَ لَاءِ ؟ فَقَالَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ : " هُمْ وَاللَّهِ

أَهْلٌ فَمَ : " (24)

يكي از اصحاب نقل کرده است : خدمت امام صادق (ع) نشسته
بودم. امام (ع) این آیه را خواند : (فاذا جاء وَعَدُ أُولِيهِمَا...) : "
هنگامی که نخستین وعده فرا رسید مردانی پیکار جو را بر شما
(بنی اسرائیل) می فرستیم تا شما را سخت درهم کوبند تا بدانجا
که برای بدست آوردن مجرمان خانه ها را جستجو کنند ، و این
وعده قطعی الهی است ."

پس ما گفتیم : فدای شما شویم ، این پیکار جویان الهی کیانند؟
امام سه بار فرمود : و بخدا قسم آنان مردم قم خواهند بود ."

12- قَالَ الْإِمَامُ الْكَاسِمُ (ع) " رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ قَوْمٍ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى
الْحَقِّ يَجْتَمِعُ مَعَهُ قَوْمٌ كَزُبْرِ الْحَدِيدِ ، لَا تَزُلُّهُمْ الرِّيَّاحُ الْعَوَاصِفُ وَ
لَا يَمْلُؤُونَ مِنَ الْحَرْبِ وَ لَا يَجْبُونَ وَ عَلَيَّ اللَّهُ يَتَوَكَّلُونَ وَ الْعَاقِبَةُ

لِلْمُتَّقِينَ : " (25)

امام کاظم (ع) فرمود : " مردی از قم ، مردم را بسوی حق دعوت می کند ، گروهی با او همراه می شوند که همانند پاره های آهن هستند ، تندبادهای حوادث آنان را نلغزاند ، و از جنگ خسته نشوند و نترسند ، و بر خدا توکل کنند ، و عاقبت خیر برای پرهیزکاران خواهد بود . "

13- قَالَ الْإِمَامُ الصَّادِقُ (ع) : " إِنَّ اللَّهَ احْتَجَّ بِالْكَوْفَةِ عَلَي سَائِرِ الْبِلَادِ وَ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَهْلِهَا عَلَي غَيْرِهِمْ مِنْ أَهْلِ الْبِلَادِ وَ حَتَّجَّ بِيَدَةِ قُمْ عَلَي سَائِرِ الْبِلَادِ وَ بِأَهْلِهَا عَلَي جَمِيعِ أَهْلِ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ لَمْ يَدَعِ اللَّهُ قُمْ وَ أَهْلَهَا مُسْتَضْعَفًا بَلْ وَقَفَهُمْ وَ أَيْدَهُمْ : " (26)

امام صادق (ع) فرمود: " خداوند" کوفه" را بر سایر شهرها حجت قرار داد و مردم با ایمان آن را برای مردم دیگر شهرها حجت قرار داده ، و شهر قم را حجت بر شهرهای دیگر و مردم آن را حجت بر تمام مردم مشرق و مغرب (از جن و انس) قرارداد ، خداوند قم و مردم آن را رها نکرده تا

مستضعف (فكري و فرهنگي) شوند بلکه آنان را موفق و تأييد

کرده است ."

14- قَالَ الْإِمَامُ الصَّادِقُ (ع) : " إِنَّ لِلَّهِ حَرَمًا وَ هُوَ مَكَّةُ وَ إِنَّ
لِلرَّسُولِ حَرَمًا وَ هُوَ الْمَدِينَةُ ، وَ إِنَّ لِمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حَرَمًا وَ هُوَ
الْكُوفَةُ وَ إِنَّ لَنَا حَرَمًا وَ هُوَ قُمْ وَ سَتُدْفَنُ فِيهَا إِمْرَأَةٌ مِنْ أَوْلَادِي
تُسَمَّى فَاطِمَةَ ، فَمَنْ زَارَهَا وَ جَبَّتْ لَهُ الْجَنَّةَ". (قَالَ الرَّاوي : وَ
كَانَ هَذَا الْكَلَامُ مِنْهُ قَبْلَ أَنْ يُوَلَّدَ الْكَاطِمُ (ع) :) (27)

امام صادق (ع) فرمود: " براستي براي خداحرمي است و آن
مکه است و براي رسولخدا (ص)حرمي است و آن مدينه مي
باشد ، و براي اميرالمؤمنين (ع) حرمي است و آن کوفه است ،
و براي ما حرمي مي باشد و آن شهر قم است. و در آينده اي
نزدیک زني از فرزندان من " به نام فاطمه" در آنجا دفن مي شود
، کسي که او را زيارت کند بهشت بر او واجب مي شود ."
راوي مي گويد : اين فرمايش حضرت زماني بود که هنوز

موسي بن جعفر (ع) به دنيا نيامده بود .
علاوه براین روایات ، ائمه معصومین (ع) اهل قم و بعض
بزرگان آنها را مورد عنایات خاصه خود قرار می دادند و برای
آنان هدایا و خلعتی هایی مثل انگشتری و پارچه کفنی می
فرستادند ، (28) و درباره بعضی از بزرگان آن دیار سخنان
ارزنده ای فرمودند که به نمونه هایی از آنها اشاره می شود :

1- حضرت رضا (ع) به زکریا بن آدم ، که قصد بیرون رفتن
از شهر قم را داشت فرمود : " از قم بیرون نرو همانا خداوند
به خاطر تو بلا را از اهل قم دور می سازد همانطور که به
وجود مبارك موسی بن جعفر (ع) ، بلا را از اهل بغداد دور
نمود " . (29)

2- امام صادق (ع) درباره عیسی بن عبدالله قمی فرمود : " تو
از ما اهل بیته " .
و باز حضرت فرمود: " عیسی بن عبدالله ، مردی است که

زندگی و مرگ او با زندگی و مرگ ما هماهنگ بوده و گره

خورده است." (30)

3- امام صادق (ع) به عمران بن عبدالله قمي فرمود: " از خدا

مي خواهم که تو را و خانواده ات را در روز قیامت (که هیچ

سایه اي نیست) در زیر سایه "رحمت" خود قرار دهد." (31)

دل در کنار حرمش عطر و بوي مدینه استشمام مي کند و

گویی در مکه بین صفا و مروه به دیدار یار رفته است. بوي

بهشت دل و جان هر زائري را شاداب و با نشاط مي کند. در

حرمش همیشه بهار است ؛ بهار قرآن و دعا ، بهار ذکر و

صلوات ، بهار یادآور شبهاي قدر ، بهار گلدسته هاي نیایش و

نیاز و سیراب نمودن جانهاي تشنه ، هر مسافر خسته اي بعد از

زیارت با خستگی بیگانه مي شود . هر رهگذري با قدم نهادن

در این حرم دیگر غریبه نیست ؛ همه او را مي شناسند ، او

آشنای دلهاست. اگر حرمش و گنبد و گلدسته هاي آن چشم را

نوازش مي دهد محبت و عشقش ، نام و يادش ، جانها و دلها را آرامش مي دهد ، چرا كه اين حرم ، حرم اهل بيت ، مدفن يادگار رسول ، نور چشم موسي بن جعفر (ع) ، آيينه تمام نماي عفاف و پاكي ، فاطمه ثاني است. او كه خود دانش آموخته مكتب علوي و سرّي از اسرار خاندان نبوي بود كه قبل از ولادت ، صادق آل محمد (ع) آمدنش را نويد داد. دختری از تبار زهرا (س) و چون او حامي ولايت و امامت و چونان زينب ، فاطمه سالاري شايسته . اگر فرياد زينب بني اميه را رسوا كرد ، فرياد فاطمه معصومه بني عباس را ؛ حركت سياسي الهي حضرت از مدينه به سوي مرو و خراسان حركتي بود عليه طاغوت دوران ، هر چند به زيارت برادر و امام زمانش نائل نشد ولي ابلاغ پيام كرد : او با حركت از مدينه به همراه عده اي از خاندان پيامبر و ارادتمندان اهل بيت (ع) ثابت كرد كه در همه اعصار قدرتهاي مادي و طاغوتي در برابر پرورش يا فتگان اسلام ناب كوچكند. چنانكه زينب سلام الله عليها بر يزيد

خروش آورد " اني استصغرك " : " من به تو به دیده حقارت مي
نگرم " ؛ این حرکت الهی ، سیاسی گر چه ناتمام ماند و بالاخره
دختر آفتاب در این سفر پر برکت خویش به دیدار حق شتافت
و با مرگ شهادت گونه اش همه را سوگوار ساخت. اما ديري
نپایید که همه شاهد ثمرات ارزشمند این سفر مبارك شدند .
آنگاه که از این کوثر بي کران عترت ، چشمه هاي جوشان
علوم و معارف جوشیدن گرفت و قم این حریم مقدس فاطمي
مرکز نشر معارف حیاتبخش اسلامي گردید و محور قیامها و
خیزش هاي دینی بر علیه ستم پیشگان روزگار . و سرانجام در
قرن حاضر این حرم اهل بیت و قم همیشه بیدار بود که
خاستگاه قیامي الهی به رهبري بزرگ تربیت یافته مکتب ولایت
حضرت امام خميني رحمه الله بر علیه ستمگران زمان گردید ؛
که ثمره آن انقلاب عظیم ، نظام مقدسي شد که نقطه امید
مستضعفان و ملجأ و پناهگاه مظلومان عالم شد . این همه مي
طلبند که مقام والاي این بانوي بزرگ به همگان بویژه نسل

جوان معرفي شود و ما مفتخریم که در این راستا اجمالی از
زندگانی و فضایل آن بزرگوار را در این بخش از کتاب جمع
آوری نموده و به شیفتگان خاندان عصمت تقدیم می نماییم .

بخش دوم :

اجمالی از زندگانی حضرت فاطمه معصومه (س)

فاطمه معصومه (س) کیست ؟

نام شریف آن بزرگوار فاطمه و القاب ایشان " معصومه " ، "
کریمه اهل بیت " ، " سنی " ، و " فاطمه کبری " است. پدرش
حضرت موسی بن جعفر (ع) و مادرش نجمه خاتون مادر
حضرت رضا (ع) است. (32)

از ولادت تا هجرت :

آن حضرت اوّل ذي القعدة سال ۱۷۳هـ . ق در مدینه منوره
به دنیا آمد. و در سنّ ۲۸ سالگی در روز دهم⁽³³⁾ یا دوازدهم
⁽³⁴⁾ ربیع الثانی سال ۲۰۱هـ . ق در شهر قم از دنیا رفت .

سفر مقدّس به شهر مقدّس :

در سال ۲۰۱ هـ . ق ، يك سال پس از سفر تبعیدگونه
حضرت رضا (ع) به شهر " مرو " حضرت فاطمه معصومه
(س) همراه عدّه اي از برادران خود براي دیدار برادر و تجدید
عهد با امام زمام خویش راهي دیار غربت شد. در طول راه به
شهر ساوه رسیدند، ولي در آنجا عده اي از مخالفین اهل بیت با
مأموران حکومتي همراهي نموده و با همراهان حضرت به نبرد
و جنگ پرداختند که عدّه اي از همراهان حضرت در این حادثه

غم انگیز به شهادت رسیدند.⁽³⁵⁾ حضرت در حالی که از غم و حزن بسیار مریضه بود با احساس نا امنی در شهر ساوه فرمود: مرا به شهر قم ببرید ، زیرا از پدرم شنیدم که فرمود: " شهر قم مرکز شیعیان ما می باشد " ؛⁽³⁶⁾ سپس حضرت به طرف قم حرکت نمود. بزرگان قم وقتی از این خبر مسرت بخش مطلع شدند به استقبال آن حضرت شتافتند و در حالی که " موسی بن الخزرج " بزرگ خاندان " اشعری " زمام شتر آن مکرّمه را به دوش می کشید ؛ ایشان در میان شور و احساسات مردم قم وارد آن شهر مقدّس شد و در منزل شخصی " موسی بن خزرج " اجلال نزول فرمود. آن بزرگوار هفده روز در شهر ولایت و امامت به سر برد و در این مدّت مشغول عبادت و راز و نیاز با پروردگار متعال بود و واپسین روزهای عمر پر برکت خویش را با خضوع و خشوع در برابر ذات پاک الهی به پایان رساند .

غروب مهتاب در شهر ستارگان :

سرانجام آن همه شوق و شور و شعف ، از اجلال نزول
کوکب ولایت و توفیق زیارت بانویی از تبار فاطمه اطهر ، با
افول نجمه آسمان عصمت و طهارت ، مبدل به دنیایی از حزن
و اندوه شد ، و این غروب غم انگیز عاشقان امامت و ولایت را
در سوک و عزا نشاناند . در رابطه با علت مریضی نابهنگام
حضرت و مرگ زود رس آن بزرگوار گفته شده است که زنی
در شهر ساوه ایشان را مسموم نمود که این مطلب با توجه به
درگیری دشمنان اهل بیت با همراهان حضرت و شهادت عده
ای از آنها "در ساوه" و جوّ نامساعد آن شهر و حرکت نابهنگام
آن بزرگوار در حال مریضی به سوی شهر قم ، مطلبی قابل
قبول می تواند باشد . آری آن حضرت که می رفت زینب وار
با سفر پر برکتش سند گویایی بر حقانیت امامت رهبران راستین

و افشاگر چهره نفاق و تزویر مأمونی باشد، و همانند قهرمان کربلا پیام آور خون سرخ برادری باشد که این بار مزورانه به قتلگاه (بنی عباس) برده می‌شد، ناگاه تقدیر الهی بر این شد که مرقد آن بزرگ حامی خط ولایت و امامت برای همیشه تاریخ، فریادگر مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی ستم‌پیشگان دوران و الهام‌بخش پیروان راستین تشیع علوی در طول قرون و اعصار باشد.

مراسم دفن :

بعد از وفات شفیعه روز جزا آن حضرت را غسل داده و کفن نمودند، سپس به سوی قبرستان "بابلان" تشییع کردند ولی به هنگام دفن آن بزرگوار "به خاطر نبودن محرم" "آل سعد" دچار مشکل شدند و سرانجام تصمیم گرفتند که پیرمردی به نام "قادر" این کار را انجام دهد. ولی قادر و حتی بزرگان و صلحا،

شیعه قم هم ، لایق نبودند عهده دار این امر مهم شوند ؛ چرا که معصومه اهل بیت را باید امام معصوم به خاک سپارد. مردم منتظر آمدن " آن پیرمرد صالح " بودند ، که ناگهان دو سواره را دیدند که از جانب ریگزار به سوی آنان می آیند و قتی نزدیک جنازه رسیدند ، پیاده شده و بر جنازه نماز خواندند و جسم پاک ریحانه رسول خدا را در داخل سردابی " که از قبل آماده شده بود " دفن کردند و بدون اینکه با کسی تکلمی نمایند ، سوار شده و رفتند ، و کسی هم آنها را نشناخت (37) . به قول یکی از بزرگان هیچ بعید نیست که این دو بزرگوار ، امامان معصومی باشند که برای این امر مهم " به قم آمدند. (38) پس از پایان رسیدن مراسم دفن ، موسی بن الخزرج سائبانی از حصیر و بوریا بر قبر شریف آن بزرگوار برافراشت و این سائبان برقرار بود تا زمانی که حضرت زینب دختر امام جواد (ع) وارد قم شد و قبّه ای آجری بر آن مرقد مطهر بنا کرد. (39) و بدین سان تربت پاک آن بانوی بزرگ اسلام قبله گاه قلوب

ارادتمندان به اهلبیت (ع) و دارالشّقای دلسوختگان عا شق
ولایت و امامت شد .

بخش سوم :

فضائل و مناقب حضرت فاطمه معصومه (س)

از آنجا که معرفت و شناخت ائمه طاهرين و اولياء مبین ،
همان شناخت فضائل و کمالات نفساني و آن بزرگواران است نه
فقط آشنایی اجمالی با زندگینامه آنها ، در اینجا بعد از بیان
اجمالی از زندگی کریمه اهل بیت (ع) به ذکر شمه ای از
فضائل و مناقب آن حضرت می پردازیم :

شرافت خانوادگی :

يكي از عاليترين فضائل آن حضرت انتساب ايشان به بيت
وحي و رسالت و امامت است. او " بنت رسول الله(ص) " و "
بنت وليّ الله" و " اخت وليّ الله" و " عمّه وليّ الله " است و اين
امر خود سرچشمه ساير فضائل و کمالات معنوي و روحاني آن
بزرگوار مي باشد که زندگي در جوار امامان معصومي همچون
" موسي بن جعفر " و " علي بن موسي الرضا " (ع) و بهره مند
بودن از تعاليم عاليه آن رهبران راه نور و سعادت ، خود عامل
اساسي در تعالي روح و تکامل درجات علمي و عملي آن
حضرت بوده است. بنا بر اين مي توان آن حضرت را الگو و
نموداري از فضائل اهل بيت (ع) دانست .

عبادت آن حضرت :

بنا به تصريح آيه کریمه قرآن ، هدف از خلقت انسان چيزي
جز عبادت و بندگي خداوند متعال نيست که : وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ

وَ الْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ" (40) : جن و انس را بيا فرديدم جز براي

اين كه عبادتم كنند(و از اين طريق تكامل يافته و به من نزديك شوند). آنان كه به اين هدف پي بردند در راه رسيدن به عاليترين مرتبه آن كه حصول يقين و اطمينان و نفس مطمئنه شدن است، سر از پا نمي شناسند و بهترين ساعات زندگي خود را زمان عبادت و راز و نیاز به درگاه ذات بي نیاز مي دانند و در خلوت شب سر بر آستان دوست مي نهند و راز دل با محبوب خویش مي گویند و عاشقانه با او به گفتگو مي نشینند و به این آرزو زنده اند که در حال نماز و راز و نیاز به ملاقات حق بشتابند و مخاطب حضرتش قرار گیرند که : " يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً" (41) : اي روح آرامش يافته به سوي پروردگارت برگرد در حالي كه هم تو از او خشنودي و هم او از تو خشنود است". يكي از عاليترين نمونه هاي عبادت و بندگي خدا از خاندان ولايت و امامت ، كريمه اهل بيت فاطمه معصومه (ع) است . او كه

عبادت و شب زنده داري هفده روزه اش در واپسين روزهاي
عمر شريفش ، گوشه اي از يك عمر عبوديت و خضوع و
خشوع آن زاده عبد صالح خدا در برابر ذات پاك الهي است و

اين بيت النور (A41) و معبد و محراب به يادگار مانده آن صقيه

الله است كه - از بركات راز و نيازهاي شبانه آن بضعه موسي

(ع) - تا دامنه قيامت هدايتگر و الهام بخش بندگان عاشق

عبادت و ولايت مي باشد و چه خوش سروده اند اهل ذوق كه:

اين جايگاه كه آنقدر منور است اين سجده گاه دختر موسي بن

جعفر است و بر سر در آن مكان مقدس اين دو بيت به چشم مي

خورد كه :

شده بنياد اين كاخ منور به پاس دختر

موسي بن جعفر

عبادتگاه معصومه است اينجا كز اينجا قم

شرافت يافت ديگر (42)

عالمه و محدّثه اهلبیت (ع):

در فرهنگ اسلامي محدّثان راستين همواره از حرمت و منزلت ویژه اي برخوردار بوده اند ؛ محدّثان و راويان در حفظ و حراست از گنجينه هاي معارف و ارزش هاي ديني و ذخاير گرانمايه مکتب تشييع و رشد و تعالي فرهنگ غني اسلامي نقش اول را داشته اند و حامل ودایع و امانت هاي گرانقدر الهي و رازدار اسرار آل رسول بوده اند يکي از والاترين عناويني که نشان دهنده بلندي مرتبه علم و آشنائي کریمه اهل بیت (ع) با معارف بلند اسلام و مکتب حياتبخش تشييع است ؛ محدّثه بودن آن حضرت مي باشد که بزرگان علم حديث احاديث و روايات رسیده از آن حضرت را در کتابهاي خود نقل نموده اند ، رواياتي که به خاطر داشتن مضموني ولایي خود شاهد صدقي

بر ولایت محوری بودن آن محدّثه آل طه و عالمه آل محمد (ص) می باشند که در جای خود این روایات ذکر خواهند شد .

اومعصومه است :

گرچه مقام عصمت از گناه و مصون بودن از لغزشها " در عین قدرت برخط" مقامی است خاص انبیاء عظام و اوصیاء آنان به ویژه چهارده معصوم پاک (ع) ؛ ولی بودند کسانی که به دلیل طاعت و بندگی مخلصانه پروردگار و اطاعت و پیروی کامل از رهروان راه پاکی و وارستگی به درجه ای از تقوی و طهارت روحی رسیدند که از معاصی و رذایل اخلاقی دور مانده و دامن روح و جان خویش را از ناپاکی ها زدودند . فاطمه معصومه (ع) که خود پرورش یافته مکتب ائمه طاهرین (ع) و یادگار صاحبان آیه تطهیر است ، نمونه عالی از طهارت و پاکی است به گونه ای که خاصّ و عام او را بعنوان معصومه

شناخته اند تا بدانجا که بعضی از بزرگان⁽⁴³⁾ ایشان را فردی برخوردار از طهارت ذاتی و تالی تلو معصومین (ع) دانسته و حضرت رضا (ع) به ایشان لقب معصومه داده و فرمود: " مَنْ زَارَ الْمَعْصُومَةَ يَوْمَ كَمَنْ زَارَنِي:"⁽⁴⁴⁾ کسی که " فاطمه معصومه" را در قم زیارت کند مثل آن است که مرا زیارت کرده باشد." و در یکی از فرازهای زیارت دوم حضرت آمده است که:" السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الطَّاهِرَةُ الْحَمِيدَةُ الْبَرَّةُ الرَّشِيدَةُ النَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ:"⁽⁴⁵⁾ "سلام بر تو ای بانوی پاک و ستایش شده ، نیکوکردار و هدایت شده ، پرهیزگار و ارسته."

کریمه اهل بیت (ع) :

انسان در اثر عبادت و بندگی خداوند متعال می تواند به جایی برسد که مظهر اراده حق و واسطه فیض الهی گردد ؛ این ثمره عبودیت و اطاعت کامل از ذات اقدس الهی است چنانچه خود

در حدیث قدسی می فرماید : " يَا بَنَ آدَمَ اَنَا اَقُولُ لِلشَّيْءِ ءِ كُنْ فَيَكُونُ

، اطعني فيما امرتك اجعلك تقول للشئ عكن فيكون " (46) "

فرزند آدم ... مرا اطاعت کن تا تو را چنان نمایم که (به

عنایت من) هر آنچه را اراده کنی همان شود". امام صادق (ع)

هم می فرماید " : الْعُبُودِيَّةُ جَوْهَرَةٌ كُنْهَهَا الرَّبُّوبِيَّةُ: " (47) " بندگی

خداوند گوهری است که نهایت و باطن آن فرمانروایی بر

موجودات است". اولیاء خداوند متعال که در راه بندگی و

اطاعت گوی سبقت را از دیگران ربوده و این راه را خالصانه

پیموده اند هم در زندگی پر برکت خویش و هم بعد از آن ،

منشأ کرامات و عنایاتی بوده اند که آثار يك عمر اخلاص و

وارستگی آنهاست. و از دیر زمان آستان قدس فاطمی منشأ

هزاران کرامت و عنایت ربّانی بوده است و چه قلب های

نامیدی که سرشار از امید به فضل و کرم الهی و چه دست

های تهی که سرشار از رحمت ربوبی و چه انسانهای بریده از

همه جا و نا امید از همه کس که با دلی شاد و روحی پیوسته به

ابدیت از درگاه پر فیض و کرم این کریمه اهل بیت (ع) برگشته
و برای خود زندگی بر اساس ایمانی مستحکم به ولای اولیاء
حق، بنا نهادند . این ها همه ، نشانه بزرگی و عظمت روح آن
بنده شایسته و پیوسته به منبع فیض و کرم بی پایان خدای فیاض
و کریم است . " نمونه هایی از کرامات آن بزرگوار به زودی
ذکر خواهد شد . "

مقام شفاعت آن حضرت :

شگی نیست که داشتن حقّ شفاعت و رسیدن به این مقام عظیم
، شایستگی لازم را می طلبد چرا که خداوند شفاعت کسانی را
می پذیرد که مأذون و مجاز از طرف او باشند " یَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ
الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَدِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ: " (48) " روز قیامت شفاعت
کسی فایده نبخشد جز آن که خدا اجازه شفاعتش داده باشد " . و
این اذن به کسانی داده می شود که به مرتبه عالی از قرب الهی

و بندگی خالصانه پروردگار رسیده باشند که در رأس آنها انبیاء و ائمه معصومین (ع) هستند و بعد از آنها این بندگان خالص حق و اولیاء مقرب درگاه خدایند که هر کدام در حدّ مقام و درجه معنوی خویش حق شفاعت دارند " از علماء و شهداء و فرزندان شایسته امامان معصوم (ع) ". از جمله کسانی که به شفیعه بودنش در روایات و آثار دینی تصریح شده است ، فاطمه معصومه (ع) است : امام صادق (ع) می فرماید : " تَدْخُلُ بِشَفَاعَتِهَا شِيعَتِي الْجَنَّةَ بِأَجْمَعِهِمْ " (49) " به شفاعت او (فاطمه معصومه) همه شیعیانم وارد بهشت خواهند شد " . و در زیارت آن حضرت به " دستور امام معصوم (ع) " گفته می شود که : " يَا فَاطِمَةُ اشْفَعِي لِي فِي الْجَنَّةِ " : " ای فاطمه معصومه! برای من نزد خدا درباره بهشت شفاعت کن ". و این خود نشان دهنده شأن و مقام بسیار عظیم آن شفیعه روز جزا است چنانچه در فراز دیگری از زیارت مخصوص آمده است که : " فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَأناً مِنَ الشَّأْنِ. " (50) یعنی : این که ما از تو طلب

شفاعت مي نماييم به خاطر اين است كه تو در محضر الهي
شأن و منزلت وصف ناپذير داري ، كه بر خاك نشينان اين عالم
قابل تصوّر نيست و تنها خدا و پيامبر و اوصياء طاهرينش بر
آن واقفند .

فضيلت زيارت حضرت :

روايات درباره فضيلت زيارت آن بانوي برگزيده اسلام بهترين
سند در رابطه با فضائل آن بزرگوار است ، كه امامان معصوم
پيروان خود را تشويق و توصيه به زيارت مرقد نوراني ايشان
فرمودند و پاداش عظيمي براي آن بيان كردند كه چنين پاداشي
در باب زيارت اولاد موسي بن جعفر (ع) بعد از حضرت رضا
(ع) بي سابقه است ؛ ما در اينجا چند روايت را ذكر مي كنيم :

۱- امام رضا (ع) فرمود : " مَنْ زَارَهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ " (51) " كسي
كه (فاطمه معصومه) را زيارت كند سزاوار بهشت خواهد بود

2- . "امام جواد (ع) فرمود : " مَنْ زَارَ قَبْرَ عَمَّتِي بِقُمْ فَلَهُ

الْجَنَّةُ " (52) " کسی که قبر عمّه ام را در قم زیارت کند

سزاوار بهشت است " . ۳- امام رضا (ع) فرمود " : مَنْ

زَارَهَا عَارِفًا بِحَقِّهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ " (53) " کسی که (فاطمه

معصومه) را زیارت کند (درحالی که معرفت به حق او داشته

باشد) پاداش او بهشت است 4- . "امام صادق (ع) فرمود : " إِنَّ

لِلَّهِ حَرَمًا ً وَ هُوَ مَكَّةُ وَ لِلرَّسُولِ حَرَمًا ً وَ هُوَ الْمَدِينَةُ ، وَ

لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حَرَمًا ً وَ هُوَ الْكُوفَةُ وَ لَنَا حَرَمًا ً وَ هُوَ قُمْ وَ سُدُّقُنْ

فِيهَا امْرَأَةٌ مِنْ وَاوَدِي تُسَمَّى فَاطِمَةَ ، مَنْ زَارَهَا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ :

(54) " برای خدا حرمی است و آن مکه است و برای

رسول خدا (ص) حرمی است و آن مدینه می باشد و برای

امیرالمؤمنین (ع) حرمی است و آن کوفه است و برای ما

حرمی است و آن شهر قم می باشد و بزودی زنی از فرزندان

من در آنجا دفن خواهد شد که نامش (فاطمه) است ؛ هر کس

او را زیارت کند بهشت بر او واجب خواهد شد ". این روایت با توجه به اینکه قبل از ولادت موسی بن جعفر (ع) از امام صادق (ع) صادر شده است دلیل بسیار روشنی است بر اینکه آمدن حضرت فاطمه معصومه به قم و دفن آن بزرگوار در حرم اهل بیت جزء اسرار غیبی بوده و تحقق آن خود دلیل روشنی بر حقیقت مکتب امامان معصوم (ع) می باشد .

قال رسول الله (ص): " إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ أَمَا إِنْ تَمَسَّكْتُمَا بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا كِتَابَ اللَّهِ وَعِثْرَتِي " (55) . پیامبر اسلام در واپسین روزهای عمر خویش درحالی که امواج سهمگین فتنه و نفاق را فرا روی امت اسلامی نظاره می کرد و نگران آینده جامعه اسلامی بود با ابلاغ پیامی هدایتگر پرده های فریب و نفاق را کنار زد و کشتی نجات را به گاه هجوم امواج فتنه ها معرفی فرمود و ساحل نجات را بر همگان ارائه نمود. آخرین پیام حضرت چیزی جز همان حدیث ثقلین نبود ؛ که در آن

هدایت رهروان خویش را در گرو تمسک به قرآن و عترت قرار داد و آن دو را تنها محور اساسی شریعت و یگانه عامل بقای دیانت دانست. این همه نبود جز برای این که راه دست یابی به احکام و معارف نورانی قرآن کریم روشن شود و راه ورود بدعت ها و اندیشه های شیطانی دنیا پرستان در متن دین مسدود گردد. چراکه این معارف قرآنی برگرفته از عارفان راستین حقایق دینی است که جامعه دینی را از سرچشمه حیاتبخش آن کتاب انسان ساز سیراب و منافقان و دین سازان طول تاریخ را از رسیدن به اهداف شوم خود محروم می سازد. با این همه ، شب پرستان روزگار نبوی بعد از رحلت رسول خدا (ص) به همراهی و هم‌آوایی مردمانی سست باور ، ندای شوم " حسبنا کتاب الله " سر دادند و از همراهی قرآن و عترت جلوگیری کردند و در راه نیل به اهداف شیطانی ایشان چه سخنان نورانی نبوی که سوخته شد و چه دُرهای گرانبهایی که ناگفته در سینه ها ماند و چه فریادگران حدیث نور که از جور زمانه لب فرو

بسته و از دیار وحی رانده شده و در صحرائی غربت جان سپردند. زبان بریده میثم بر دار رفته و پیکر بی دست و پای رشید هجری و تن تفتیده ابوذر در غربت آباد ربده خود گواه بی نهایت ستمی است که در حقّ اهل بیت و پیروان راستین روا داشتند. اما در این دوران غمبار غربت عترت هم ، منادیان حقّ و راویان آگاه شیعه از پای نشسته و چوبه دار بر دوش سخنان نورانی و فضایل اهل بیت را ترویج می نمودند تا آن که دوران جدایی قرآن و عترت به سرآمد و هرکدام جایگاه حقیقی خویش را یافت و برای حاملان راستین وحی الهی فرصتی فراهم آمد و در عصر صادقین (ع) سرچشمه فیاض علوم اهل بیت جوشیدن گرفت و تشنگان معارف الهی از آب زلال کوثر قرآن و عترت سیراب گردیدند. از آن دوران، تربیت یافتگان مکتب امامت بر ثبت و نشر سخنان دربار خاندان رسالت همّت گماشتند و با ترویج آثار ارزشمند امامان معصوم (ع) مبانی اعتقادی جامعه و پایگاه ارزشهای دینی را تحکیم بخشیدند ، و در طول قرون و

اعصار هویت دینی امت مسلمان را حفظ و از شریعت نبوی و مکتب علوی پاسداری نمودند. که از جمله این پاسداران امین گنجینه های گرانقدر ولایت و امامت محدثه آل طه حضرت فاطمه معصومه (ع) است که چندین روایت را درباره ولایت نقل فرموده است که به بیان آنها می پردازیم :

بخش چهارم :

روایاتی از حضرت فاطمه معصومه (ع)

حدیث غدیر و منزلت:

... 1- عَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا ، حَدَّثَنِي فَاطِمَةُ وَ زَيْنَبُ وَ أُمُّ كَلْبُومٍ بَنَاتُ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ (ع) قُلْنَ حَدَّثَنَا فَاطِمَةُ بِنْتُ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ ، حَدَّثَنِي فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، حَدَّثَنِي فَاطِمَةُ بِنْتُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ ، حَدَّثَنِي فَاطِمَةُ وَ سَكِينَةُ ابْنَتَا الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أُمِّ كَلْبُومٍ بِنْتِ فَاطِمَةَ بِنْتِ النَّبِيِّ

(ص) عَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ (ص)...قَالَتْ: " أَنْسَيْتُمْ قَوْلَ

رَسُولِ اللَّهِ (ص) يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍ : " مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ". وَ

قَوْلُهُ (ص): " أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى : " (56) "

فاطمه دختر حضرت رضا نقل می کند از فاطمه (معصومه

(ع) و زینب و امّ کلثوم (دختران موسی بن جعفر (ع) و آنها

از فاطمه (دختر امام صادق (ع) و او از فاطمه (دختر امام

باقر (ع) و ایشان از فاطمه (دختر امام سجّاد(ع) و او از

فاطمه و سکینه (دختران امام حسین (ع) و آنها از امّ کلثوم (

دختر فاطمه زهرا (ع) و او از فاطمه زهراء (ع) نقل می کند

که آن حضرت (به مردم (فرمود: " آیا فراموش کردید فرمایش

رسول خدا (ص) را " در روز غدیر " ؟ که (به شما (فرمود:

هرکس من مولي (و رهبر) اویم پس علي (بعد از من) مولي

(و رهبر) اوست. و آیا فراموش کردید این فرمایش حضرت را

؟ که فرمود: (يا علي) نسبت تو به من همانند نسبت هارون به

موسي (ع) است". (يعني : تويي وصي و جانشين من).

حديث دوستي آل محمد (ع) :

2- حضرت فاطمه معصومه (ع) از فاطمه دختر امام صادق

(ع) و او از فاطمه دختر امام باقر (ع) و او از فاطمه دختر

امام سجّاد (ع) و او از فاطمه دختر امام حسين (ع) و او از

زينب دختر اميرالمؤمنين (ع) و او از فاطمه زهرا (ع) نقل مي

کند که رسول خدا (ص) فرمود : " الْاَمَنُ مَاتَ عَلِي حُبَّ آل

مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيداً " (57) " بدانيد که هر کس با محبت آل محمد

بميرد ، شهيد مرده است. "

مقام و منزلت امام علي (ع) و شيعيان آن حضرت :

3-فاطمه معصومه (ع) (به همان سند روایت اول) نقل می کند از فاطمه زهراء (ع) که پیامبر خدا (ص)فرمود : " در شب معراج ، داخل بهشت شدم ، آنجا قصری دیدم از دُرّ میان خالی ، که دارای دری بود آراسته به دُرّ و یاقوت و بر آن در پرده ای آویخته بود ؛ من سرم را بلند کردم ، دیدم بر آن نوشته شده است : " لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ ، عَلِيٌّ وَلِيُّ الْقَوْمِ " : " خدایی جز خدای یکتا نیست ؛ محمد فرستاده خدا است ؛ علیّ ولیّ (و رهبر) مردم است ". و بر پرده نوشته بود " : بَخُّ ، بَخُّ ، مَنْ مِثْلُ شِيعَةِ عَلِيٍّ ؟ " : " به به ، کیست مانند شیعه علی (ع) ؟ " ؛ داخل آن قصر شدم ، در آنجا قصری از عقیق سرخ میان خالی دیدم که دری داشت از نقره که به " زبرجد " سبز مزین بود و بر آن در نیز پرده ای آویخته بود ، به بالا نگاه کردم ، دیدم بر آن در نوشته شده : " مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ ، عَلِيٌّ وَصِيُّ الْمُصْطَفِيِّ " : " محمد رسول خداست ، علی جانشین " محمد " مصطفی است ". و بر پرده نوشته شده بود : " بَشْرُ شِيعَةِ عَلِيٍّ بِطِيبِ الْمَوَدِّدِ... ".

بشارت بده شیعیان علی را به (حلال زادگی)؛ داخل آن قصر
شدم، قصری از زبر جد سبز میان خالی دیدم که بهتر از آن
ندیده بودم؛ این قصر دری داشت از یاقوت سرخ که آراسته به
لؤلؤ بود و بر آن در پرده ای آویخته بود؛ سرم را بلند کردم،
دیدم بر پرده نوشته شده: "شیعه علی هم الفایزون". "تنها
شیعیان علی رستگارند". گفتم: ای جبرئیل این قصر برای
کیست؟ گفت: برای پسر عمو و جانشین تو علی بن ابی طالب
است و همه مردم در روز قیامت عریان و پابرهنه محشور می
شوند مگر شیعیان علی" (58).

قم دیار ابرار:

4- حضرت معصومه (ع) وقتی در ساوه مریض شد به
همراهانش فرمود: مرا به قم ببرید زیرا از پدرم شنیدم که
فرمود: "قم مرکز شیعیان ما می باشد." (59)

بخش پنجم :

کرامات کریمه اهل بیت (ع)

از آنجا که فاطمه معصومه (ع) از خاندانی است که در زیارت جامعه خطاب به ایشان آمده است : " عَادَتِكُمْ الْإِحْسَانُ وَ سَجِيَّتِكُمُ الْكَرَمُ " (60) کرامات و عنایات آستان مقدّسش فراوان و شامل حال خاص و عام بوده است : از بزرگانی همچون مئاصدرا و آیه الله بروجردی گرفته تا آن مسلمان عاشقی که از دور افتاده ترین کشور اسلامی به عشق زیارت و به امید عنایت به حریم قدس او راه یافته ، همگی را مورد عنایت کریمانه خود قرار داده است ؛ ولی با کمال تأسف این کرامات تا کنون ثبت و ضبط نشده است ، ما هم نمونه هایی برگزیده از کرامات آن حضرت را در اینجا می آوریم ؛ به امید آن که مجموع کرامات آن حضرت در اثری مستقل گردآوری شود .

گراماتي به نقل از آية الله العظمي اراكي رحمة الله :

ایشان درباره خودشان فرمودند : " دستم ورم مي کرد و پوست آن ترک بر مي داشت به طوري که نمي توانستم وضو بگیرم و ناچار بودم براي نماز تیمم کنم و معالجات هم بي اثر بود تا اینکه به حضرت معصومه (ع) متوسل شدم و به من الهام شد که دستکش بدست کنم ، همین کار را کردم ؛ دستم خوب شد."

ایشان فرمودند : " آقا حسن احتشام (فرزند مرحوم سيد جعفر احتشام که هر دو از منبري هاي قم بودند) نقل مي کرد از آ شيخ ابراهيم صاحب الزماني تبريزي (که مرد با اخلاصي بود) که من شبی در خواب دیدم بحرم مشرف شدم خواستم وارد شوم گفتند حرم قرق است براي اینکه فاطمه زهرا (ع) و حضرت معصومه (ع) در سر ضريح خلوت کرده اند و کسي را راه نمي دهند. من گفتم : مادرم سيده است و من محرم هستم

، به من اجازه دادند ، رفتم دیدم که بله این دو نشسته اند و در بالای ضریح با هم صحبت می کنند از جمله صحبت ها این بود که حضرت معصومه (ع) به حضرت زهرا (ع) عرض کرد : حاج سید جعفر احتشام برای من مدحی گفته است و ظاهراً آن مدح را برای حضرت می خواند. آشیخ ابراهیم این خواب را در جلسه دوره ای اهل منبر که حاج سید جعفر احتشام هم در آن حضور داشت نقل می کند ؛ حاج احتشام می گوید : از آن شعرها چیزی یادت هست ؟ گفت : بله در آخر شعر داشت (دخت موسی بن جعفر) تا این را گفت ، حاج احتشام شروع کرد بگریه کردن و گفت : بله توی اشعار من این کلمه است. " حاج سید جعفر احتشام منبری با حالی بود و موقع روضه خواندن خودش هم گریه می کرد و بگآء بود و بسیار گریه می کرد ". آقا حسن احتشام فرزند ایشان می گوید : " به ایشان گفتیم شما در آخر شعرتان يك تخلصی داشته باشید مانند سایر شعرا " ، قبول نکرد تا با اصرار این شعر را گفت : ای فاطمه بجان

عزیز برادرت بر احتشام لطف نما قصر اخضري ایشان گفت : " قصر اخضر را لطف کردند". گفتم "چطور ؟" گفت : " همانجا که آقای مرعشی رحمه الله سجاده مي انداختند ، آنجا را گچ کاری کردند و سنگ مرمر سبز رنگ قرار دادند ، و قبر حاج احتشام در همان قسمت از مسجد بالاسر است این بود قصر اخضري که به ایشان عطا شد."

*آقای حاج شیخ حسن علي تهراني رحمه الله (جدّ مادري آقای مروارید) که از علماء بزرگ و شاگردان فاضل میرزاي شیرازي محسوب مي شدند و حدود ۵۰ سال در نجف به تحصیل علوم اشتغال داشتند ، ایشان برادري داشت بنام حاج حسين علي شال فروش که از تجار بازار بوده در تمام مدّتي که حاج شیخ مشغول تحصیل بودند ایشان ماهي ۵۰ تومان به او شهریه مي داد تا اینکه برادر تاجر فوت مي کند و جنازه او را به قم حمل مي کنند و در آنجا دفن مي نمایند . حاج شیخ حسن

علي (که در اواخر عمر در مشهد ساکن بودند) تلگرافي از فوت برادر مطلع مي شود ، به حرم مشرف شده و به حضرت رضا عرض مي کنند : " من خدمت برادرم را يکبار هم نتوانستم جبران نمايم جز همين که بيايم اينجا و از شما خواهش کنم که به خواهرتان حضرت معصومه (ع) سفارش ايشان را بفرماييد : تا کمک کاري ، بکند از برادرم ". همان شب يکي از تجار که از قضيه اطلاع نداشت خواب مي بيند که به حرم حضرت معصومه (ع) مشرف شده و آنجا مي گویند : که حضرت رضا (ع) هم به قم تشریف آوردند : يکي جهت زيارت خواهرشان ، و يکي جهت سفارش برادر حاج شيخ حسنعلي به حضرت معصومه (ع) . او معنای خواب را نمي فهمد و آن را با حاج شيخ حسنعلي در میان مي گذارد و ايشان مي فرمايند : " همان شب که شما خواب ديدي من (در رابطه با برادرم) به حضرت رضا متوسل شدم و اين خواب شما درست است ".
مرحوم آقا سيد محمد تقی خوانساري پس از شنيدن اين خواب

فرمود : از این خواب استفاده می شود که قم در حریم حضرت معصومه (ع) است ؛ باید حضرت امام رضا (ع) به قم تشریف فرما شوند و سفارش برادر حاج شیخ حسنعلی را به حضرت بفرمایند و اُتا خود حضرت امام رضا (ع) مستقیماً در کار مداخله نمی کند چون این در محدوده حضرت معصومه است و مداخله در این محیط نمی شود." (61)

جلال و جبروت فاطمه زهرا (ع) :

آقای شیخ عبدالله موسیانی (62) نقل فرمودند به این که حضرت آیه الله مرعشی نجفی به طلباب می فرمود : " علّت آمدن من به قم این بود که پدر آسید محمود مرعشی نجفی (که از زهاد و عبّاد معروف بود) چهل شب در حرم حضرت امیر (ع) بیتوته نمود که آن حضرت را ببیند ، شبی در (حال مکاشفه) حضرت را دیده بود که به ایشان می فرماید : سید محمود چه

مي خواهي؟ عرض مي كند : مي خواهم بدانم قبر فاطمه زهراء
(ع) كجاست؟ تا آن را زيارت كنم . حضرت فرموده بود : من
كه نمي توانم " بر خلاف وصيت آن حضرت " ، قبر او را معلوم
كنم . عرض كرد : پس من هنگام زيارت چكنم ؟ حضرت
فرمود : خدا جلال و جبروت حضرت فاطمه (ع) را به فاطمه
معصومه (ع) عنايت فرموده است ، هر كس بخواهد ثواب
زيارت حضرت زهرا (ع) را درك كند به زيارت فاطمه
معصومه (ع) برود. آية الله مرعشي مي فرمودند : پدرم مرا
سفارش مي كرد كه من قادر به زيارت ايشان نيستم اما تو به
زيارت آن حضرت برو ، لذا من به خاطر همين سفارش، براي
زيارت فاطمه معصومه (ع) و ثامن الائمه (ع) آمدم و به
اصرار مؤسس حوزه علميه قم ، حضرت آية الله حائري در قم
ماندگار شدم. آية الله مرعشي در آن زمان مي فرمودند : "
شصت سال است كه هر روز من اول زائر حضرتم . "

عنایت حضرت به زوّار مرقدش :

آقای شیخ عبدالله موسیانی نقل کردند از حضرت آیه الله
مرعشی نجفی " که شب زمستانی بود که من دچار بی خوابی
شدم ؛ خواستم حرم بروم ، دیدم بی موقع است ، آمدم خوابیدم و
دست خود را زیر سرم گذاشتم که اگر خوابم برد خواب نمانم ،
در عالم خواب دیدم خانمی وارد اطاق شد " که قیافه او را به
خوبی دیدم ولی آن را توصیف نمی کنم " به من فرمود : سیّد
شهاب! بلند شو و به حرم برو ؛ عدّه ای از زوّار من پشت در
حرم از سرما هلاک می شوند ، آنها را نجات بده. ایشان می
فرمایند : من به طرف حرم راه افتادم ، دیدم پشت در شمالی
حرم (طرف میدان آستانه) عدّه ای زوّار اهل پاکستان یا
هندوستان (با آن لباسهای مخصوص خودشان) در اثر سردی
هوا پشت در حرم دارند به خود می لرزند ، در را زدم ، حاج

آقا حبيب (که جزء خدام حضرت بود) با اصرار من در را باز کرد ، من از مقابل و آنها هم پشت سر من وارد حرم شدند و در کنار ضريح آن حضرت به زيارت و عرض ادب پرداختند ؛ من هم آب خواستم و براي نماز شب و تهجد وضو ساختم . "

عنایت حضرت به زائر برادر:

آقاي شيخ عبدالله موسياني نقل مي کند: " که ما عازم مشهد مقدس بوديم درحالي که در آنجا به جهت جمعيت زياد زوار منزل به سختي پيدا مي شد. من با اطلاع از اين جهت به حرم حضرت معصومه (ع) مشرف شدم و خيلي خودماني گفتم : بي بي جان ما عازم زيارت برادر شمائييم ، خودتان عنائتي بفرمائيد . ما عازم مشهد شديم ، ديديم منزل بسيار کمياب است نزديک حرم از تاکسي پياده شديم ، ناگهان ديدم جواني از داخل کوچه به طرف من آمد و به من گفت : منزل مي خواهيد ؟ گفتم : بله

گفت دنبال من بیا ، با او رفتم مرا داخل خانه اش برد ، اطاق
بزرگ و خوبی را به ما داد ، ما وقتی در آنجا مشغول جابجایی
و سایل بودیم ، خانم ایشان ما را برای نهار دعوت کرد ، بعد
از تشرّف به حرم زیارت و نماز ، نهار را با آنها خوردیم .
صبح روز بعد ، خانم از ما سؤال کرد : شما چند روز در اینجا
هستید ؟ گفتم ده روز ، گفت ما به تهران می رویم ، این کلید
خانه ، هر وقت که خواستید بروید ، کلید را بدهید به همسایه ما
آقای رضوی (یا رضوانی). گفتم : کرایه منزل چه می شود ؟
گفت ما صحبت آن را کرده ایم . ما خیال کردیم مقصود ایشان
صحبت درباره کرایه است با آقای که بنا شد کلید را به او
بدهیم . چند روزی گذشت کسی آمد در خانه و گفت : من
رضوی (یا رضوانی) هستم ، شما هر وقت که خواستید به قم
بروید ، کلید را پشت آینه داخل اطاق بگذارید و بروید. گفتیم :
کرایه چه می شود ؟ گفت درباره کرایه با من صحبتی نکردند.
ده روز ما تمام شد ، خواستیم برگردیم ، دیدیم بلیط ماشین را

بايد چند روز پيش تهيه مي كرديم و الان تهيه بليط امكان ندارد ، خيلي ناراحت بوديم كه من از صاحب ماشيني (كه در نزديك منزل ما ، ماشين خودش را پارك مي كرد و در مسير " تهران - مشهد " مسافر جا به جا مي كرد) خواستم ما را هم با خودش تا تهران ببرد. او گفت : من فردا حركت نمي كنم ولي فردا شما را به قم مي فرستم ؛ فردا ما را تا گاراژ ماشين برد و به مسئول دفتر گفت : اينها از ما هستند و مي خواهند به قم بروند ، او هم موافقت كرد و در بهترين جاي ماشين به ما تعداد صندلي مورد نيازمان را داد و ناباورانه " بي بي " وسيله برگشت مان را هم مانند " منزل در مشهد " فراهم كرد" (63)

شفاي طلبه جوان نخبواني :

حضرت آية الله مكارم شيرازي " دام ظلّه " مي فرمايد : " بعد از فروپاشي شوروي سابق و آزاد شدن جمهوريهاي مسلمان

نشین (و از آن جمله جمهوری نخجوان) مردم شیعه نخجوان تقاضا کردند ، که عدّه ای از جوانان خود را به حوزه علمیه قم بفرستند تا برای تبلیغ در آن منطقه تربیت شوند . مقدمات کار فراهم شد و استقبال عجیبی از این امر به عمل آمد. از بین (سیصد نفر داوطلب) پنجاه نفری که معدّل بالایی داشتند و جامعترین آنها بودند برای اعزام به حوزه علمیه قم انتخاب شدند . در این میان جوانی - که با داشتن معدّل بالا ، به سبب اشکالی که در یکی از چشمانش وجود داشت انتخاب نشده بود - با اصرار فراوان پدر ایشان ، مسئول مربوطه ناچار از قبول ایشان شد ، ولی هنگام فیلمبرداری از مراسم بدرقه از این کاروان علمی ، مسئول فیلمبرداری دوربین را روی چشم معیوب این جوان متمرکز کرده و تصویر برجسته ای از آن را به نمایش گذاشت . جوان با دیدن این منظره بسیار ناراحت و دل شکسته شد. وقتی کاروان به قم رسید و در مدرسه مربوطه ساکن شدند این جوان به حرم مشرف شده و با اخلاص تمام

متوسّل به حضرتش مي شود ، و در همان حال خوابش مي برد . در خواب عوالمی را مشاهده کرده و بعد از بيداري مي بيند چشمش سالم و بي عيب است . او بعد از شفا يافتن به مدرسه بر مي گردد ، دوستان او با مشاهده اين كرامت و امر معجزه آسا ، دسته جمعي به حرم حضرت معصومه (ع) مشرف شده و ساعتها مشغول دعا و توسّل مي شوند . وقتي اين خبر به نخبوان مي رسد آنها مصرّانه خواهان اين مي شوند كه اين جوان بعد از شفايا فتن و سلامتي چشمش به آنجا برگردد كه باعث بيداري و هدايت ديگران و استحكام عقیده مسلمين گردد ."

(64)

منبع فيض الهي :

مرحوم محدّث قمي مي فرمايد از بعضي اساتيد خود شنيدم كه : " مرحوم ملاصدرای شیرازی به خاطر بعضي مشكلات از

شیراز به قم مهاجرت فرمود و در قریه كهك اقامت نمود ؛ آن
حكیم فرزانه هرگاه مطالب علمی بر او مشکل می شد به زیارت
حضرت فاطمه معصومه می آمد و با توسل به آن بزرگوار
مشکلات علمی برای ایشان حلّ می شد و از آن منبع فیض الهی
مورد عنایت قرار می گرفت . " (65)

شفای مرد نصرانی :

مرحوم محدّث نوری نقل فرمودند که : " در بغداد مردی
نصرانی به نام "یعقوب" مبتلا به مرض استسقاء بود که از
معالجه آن ناامید شده بودند و به طوری بدنش ضعیف شده بود
که توان راه رفتن نداشت. او می گوید : مکرّر از خدا مرگم را
خواسته بودم تا آنکه در سال ۱۲۸۰ هـ . ق در عالم خواب سیّد
جلیل القدر نورانی را دیدم که کنار تختم ایستاده ، و به من گفت
: اگر شفا می خواهی باید به زیارت کاظمین بیایی . از خواب

بیدار شدم و خوابم را به مادرم گفتم . مادرم که مسیحي بود
گفت : این خواب شیطاني است . دو مرتبه خوابم برد . این
مرتبه زني را در خواب دیدم با چادر و روپوش که به من گفت
: برخیز که صبح شد آیا پدرم با شما شرط نکرد که او را
زیارت کنی و ترا شفا بخشد ؟ گفتم پدر شما کیست ؟ گفت : "
موسی بن جعفر " . گفتم شما کیستی ؟ فرمود : من معصومه
خواهر رضا هستم . از خواب بیدار شدم و متحیر بودم که به
کجا بروم ؛ به ذهنم آمد که بخدمت " سید راضي بغدادی بروم .
به بغداد رفتم تا به در خانه او رسیدم ، درزدم ، صدا آمد کیستی
؟ گفتم در را باز کن . همین که سید صدایم را شنید به دخترش
گفت : در را باز کن که يك نفر نصراني است که آمده مسلمان
شود . وقتی بر او وارد شدم گفتم : از کجا دانستید که من چنین
قصدی دارم ؟ فرمود : جدّم در خواب مرا از قضیه خبر داد .
او مرا به کاظمین نزد شیخ عبدالحسین تهراني برد ؛ داستان
خود را برایش گفتم ، دستور داد مرا به حرم مطهر حضرت

کاظم (ع) بردند و مرا دور ضریح طواف دادند عنایتی نشد ؛ از حرم بیرون آمدم احساس تشنگی کردم ؛ آب آشامیدم ، حالم منقلب شد و روی زمین افتادم ، گویا کوهی بر پشتم بود و از سنگینی آن راحت شدم . ورم بدنم از بین رفت و زردی صورتم به سرخی مبدل شد و دیگر اثری از آن مرض ندیدم . خدمت شیخ بزرگوار رفتم و به دست ایشان مسلمان شدم . " ... (66)

شفای مفلوج :

حجة السلام و المسلمین آقای شیخ محمود علمی اراکی نقل کرد که : " من خودم مکرر دیدم شخصی را که " از پا عاجز و ناتوان بود که پاهایش جمع نمی شد و قسمت پایین بدن را روی زمین می کشید و با تکیه به دو دست حرکت می کرد " از حالش پرسیدم اهل یکی از شهرهای قفقاز شوروی بود ، گفت : رگهای پایم خشکیده است و قادر به راه رفتن نیستم ؛ رفتم مشهد از

حضرت رضا شفا بگیرم نتیجه ای نگرفتم ؛ آمده ام اینجا (قم)
انشاء الله شفا بگیرم . در یکی از شبهای ماه رمضان بود ،
شنیدیم نقارخانه حرم (طبق معلوم) به صدا در آمد و گفتند : بی
بی شخص فلجی را شفا داده است ؛ ما که بعداً با درشکه با
چند نفر از همراهان به اراک می رفتیم در شش فرسخی اراک ،
همان شخص ناتوان را دیدم با پاهای صحیح و سالم عازم کربلا
است و معلوم شد که آن روز او بوده که شفا گرفته ، او را به
درشکه سوار کردیم و تا اراک همراه ما بود . " (67)

شفای پادرد و تقدیر از عزاداران اهل بیت (ع) :

حضرت آیه الله حاج شیخ مرتضی حائری نقل فرمودند که :
شخصی بود به نام آقا جمال ، معروف به " هژبر " ، دچار پا
درد سختی شده بود به طوری که برای شرکت در مجالس ،
بایستی کسی او را به دوش می گرفت و کمک می کرد ، عصر

تا سوعا آقاي هژبر به روضه اي که در مدرسه فيضيه از طرف آية الله حائري تشکيل شده بود ، آمد. آقا سيد علي سيف (خدمتگزار مرحوم آية الله حائري) که نگاهش به او افتاد به او پرخاش کرد که : سيّد اين چه بساطي است که در آورده اي ، مزاحم مردم مي شوي ، اگر واقعاً سيّدي برو از بي بي شفا بگير . آقا هژبر تحت تأثير قرار گرفت و در پايان مجلس به همراه خود گفت : مرا به حرم مطهر ببر ، پس از زيارت و عرض ادب با دل شکسته حال توجه و توسّلي پيدا کرد و سيّد را خواب ربود. در خواب ديد کسي به او مي گويد : بلند شو . گفت : نمي توانم . گفته شد : مي تواني بلند شو و عمارتي را به او نشان داده و گفت : اين بنا از حاج سيّد حسين آقا ست که براي ما روضه خواني مي کند ، اين نامه را هم به او بده . آقاي هژبر ناگهان خود را ايستاده ديد که نامه اي در دست دارد و نامه را به صاحبش رساند و مي گفت : ترسيدم اگر نامه را نرسانم درد پا برگردد و کسي از مضمون نامه مطلع نشد حتي

آیه الله حائري ، ایشان فرمودند : که از آن به بعد آقای هژبر
عوض شد گوئی از جهان دیگرست و غالباً در حال سکوت و یا
ذکر خدا بود. " (68)

نجات گمشده و عنایت به زائرین :

خادم و کلیددار حرم و مکبر مرحوم آقای روحانی (که از
علمای قم و امام جماعت مسجد امام حسن عسکری (ع) بوده اند
(می گوید : " شبی از شبهای سرد زمستان در خواب حضرت
معصومه (ع) را دیدم که فرمود : بلند شو و بر سر مناره ها
چراغ را روشن کن . من از خواب بیدار شدم ولی توجهی
نکردم . مرتبه دوم همان خواب تکرار شد و من بی توجهی
کردم در مرتبه سوم حضرت فرمود : مگر نمی گویم بلند شو و
بر سر مناره چراغ روشن کن ! من هم از خواب بلند شده بدون
آنکه علت آنرا بدانم در نیمه شب بالای مناره رفته و چراغ را

روشن کردم و برگشته خوابیدم . صبح بلند شدم و درب های حرم را باز کردم و بعد از طلوع آفتاب از حرم بیرون آمدم با رفقایم کنار دیوار و زیر آفتاب زمستانی نشسته ، صحبت می کردیم که متوجه صحبت چند نفر زائر شدم که به یکدیگر می گفتند : معجزه و کرامت این خانم را دیدید؟! اگر دیشب در این هوای سرد و با این برف زیاد ، چراغ مناره حرم این خانم روشن نمی شد ما هرگز راه را نمی یافتیم و در بیابان هلاک می شدیم . خادم می گوید : من نزد خود متوجه کرامت و معجزه حضرت و نهایت محبت و لطف او به زائرینش شدم . " (69)

مبتلاي به جنون :

آقای میر سیّد علی برقعی فرمودند : " مردی اظهار می داشت که من در ایّامی که سفیر ایران در عراق بودم ، عیالم مبتلا به جنون شد به طوری که گند به پاهایش زدیم ؛ روزی از

سفارتخانه به منزل آمدم حال او را بسیار منقلب و آشفته دیدم ،
داخل اطاق مخصوص خود شدم و از همانجا متوسّل شدم به
مولا امیرالمؤمنین (ع) و عرض کردم یا علی چند سال است که
در خدمت شما هستم و غریب و تنهائیم شفای همسرم را از شما
می خواهم . همین طور در حال تحیر بودم که خدایا چه بکنم؟!
که يك مرتبه خادمه منزل دوید و گفت : آقا بیایید ، گفتم همسرم
فوت کرد ؟ گفت : خیر بهتر شد . من با عجله نزد عیالم رفتم ،
دیدم با حال طبیعی نشسته ، عیالم به من گفت : این چه وضع
است ، چرا به پاهای من گند زدید؟! برای او توضیح دادم بعد
گفتم چه شد که شما یکمرتبه بهتر شدید ؟ گفت : در همین ساعت
خانم مجلّه ای داخل اطاق شد گفتم : شما کیستید ؟ فرمود : من
معصومه دختر موسی بن جعفر (ع) هستم . جدّم امیر المؤمنین
علی (ع) امر فرمودند من شما را شفا بدهم و شما خوب شدید

ضعف چشم :

حاج آقا مهدي صاحب مقبره اعلم السلطنة (بين صحن جديد و عتيق) نقل کرده که " : من چندي قبل به ضعف چشم مبتلا شدم ؛ بعد از مراجعه به اطباء ، اظهار داشتند که چشم شما آب آورده باید برسد تا آن را عمل کنیم . او مي گوید : بعد از آن هر وقت که به حرم مشرف مي شدم مختصري از گرد و غبار ضريح را به چشمانم مي کشيدم و اين عمل باعث شد که ضعف چشم من برطرف شود به طوري که الآن بدون عيّنك قرآن و مفاتيح مي خوانم "(71)

دختر لال :

حجة السلام آقاي حاج آقا حسن امامي چنين نوشته اند که " روز پنجشنبه دهم رجب 1385 هـ . ق دختری ۱۳ ساله از

اهالي " آب روشن آستارا" به اتفاق پدر و مادرش به قم آمدند در
حالي که دختر در اثر مرضي دچار عارضه لالي شده بود و
قوه گويائي خود را از دست داده بود و با مراجعه به اطباء هم
معالجه نشده بود ، در حالي که از دکتر ها مأیوس بودند به کنار
قبر مطهر فاطمه معصومه (ع) پناهنده شدند. به مدت دو شب
در کنار ضريح مبارك نشسته گاهي در حال گريه گاهي با زبان
بي زباني مشغول راز و نیاز بودکه يك مرتبه همه چراغهاي
حرم خاموش گرديد. در همان حال دختر مذکور مورد عنايت
بي منتهاي حضرت قرار گرفت و صيحه عجيبي کشيد که خدام
و زائرين شنيدند . جمعيت هجوم آوردند تا مقداري از لباس او
را به عنوان تبرک بگيرند . خدام دختر را به کشيك خانه بردند
تا جمعيت متفرق شدند . دختر گفت : در همان وقت خاموشي
چراغهاي حرم ، چنان روشنايي و نوري ديدم که در تمام عمرم
مثل آن را ندیده بودم و حضرت را ديدم که فرمود: خوب شدي

و دیگر می توانی سخن بگویی و حرف بزنی ؛ من فریاد زدم ،
دیدم زبانم باز شده است . " ... (72)

مبتلا به سیل :

حاج آقا مهدی صاحب مقبره اعلم السلطنه می گوید : " مردی
از دهات خلجستان قم دچار مرض سیل می شود . به اطباء
مراجعه می کند ولی نتیجه ای نمی گیرد . به تهران می رود و
مشغول معالجه می شود تا وقتی که تمام داراییش را خرج می
کند اما به نتیجه ای نمی رسد ، مأیوس و تهی دست به وطن بر
می گردد . در آنجا هم اهالی به او می گویند : تو که در اینجا
چیزی نداری ، مرضی هم که به آن مبتلا هستی مرضی است
مُسری ، ماندن تو در اینجا باعث گرفتاری سایر اهالی می شود
، پس از اینجا برو . به ناچار از وطن آواره و با دستی تهی و
بدنی رنجور وارد قم می شود و در صحن جدید در ایوان یکی

از مقبره هاي حرم مطهر در حالي كه دل از همه جا بريده و
دل به عنايات فاطمه معصومه (ع) بسته بود خوابش مي برد ،
در اثر عنايات بي بي وقتي از خواب بيدار مي شود همچگونه
اثري از بيماري در خود نمي بيند. " (73)

اداء دين و گشايش در زندگي :

حاج آقا تقی کمالی ، از خدام آستانه مقدسه مي گوید : " در
سال ۱۳۰۲ هـ . ق . در آستانه مقدسه متحصن شده و پناهنده
به آن بانوي معظمه بودم و در يکي از حجرات صحن نو منزل
داشتم ؛ روزگارم به تلخي و سختي سپري مي شد و کاملاً تحت
فشار بي پولي و نداري قرار گرفته بودم ؛ زندگاني را با قرض
از كسبه اطراف حرم مي گذراندم تا اينكه يك روز بعد از اداي
فريضة صبح خدمت بي بي مشرف شده و وضع خود را به
عرض رساندم ؛ در اين حال ديدم كيسه پولي روي دامنم افتاد ؛

مدّتی صبر کردم به خیال این که شاید این کیسه پول مال زوّار
محترم باشد تا به صاحبش ردّ نمایم ؛ دیدم خبری نشد فهمیدم که
مرحمتی خانم است ، به حجره خود برگشتم وقتی کیسه را باز
کردم مبلغ ۴ تومان در آن بود . ابتدا بدهی هایم را پرداختم و
به مدّت چهارده ماه خرج می کردم و تمام نمی شد تا آنکه
روزی " حضرت حجة السلام و المسلمین آقای حسین حرم
پناهی " تشریف آوردند و از وضع زندگی من جويا شدند ، من
موضوع را اظهار نمودم در همان ایّام به آن عطیّه خاتمه داده
شد . " (74)

شفای یکی از خدّام حرم :

این کرامت که به حدّ توأثر رسیده از این قرار است که :
یکی از خدّام آن حضرت به نام " میرزا اسدالله " به سبب ابتلائی
به مرضی انگشتان پایش سیاه شده بود : جرّاحان اتفاق نظر

داشتند که باید پای او بریده شود تا مرض به بالاتر از آن سرایت نکند ، قرار شد که فردای آن روز پای او را جراحی نمایند . میرزا اسدالله گفت : حال که چنین است امشب مرا ببرید حرم مطهر دختر موسی بن جعفر (ع) او را به حرم بردند ، شب هنگام خدام در حرم را بستند و او پای ضریح از درد پا می نالید تا نزدیک صبح ، ناگهان خدام صدای میرزا را شنیدند که می گوید: در حرم را باز کنید حضرت مرا شفا داده ، در را باز کردند دیدند او خوشحال و خندان است. او گفت : در عالم خواب دیدم خانمی مجلله آمد نزد من و گفت: تو را چه می شود؟ عرض کردم که : این مرض مرا عاجز نموده و از خدا شفای دردم یا مرگ را می خواهم ، آن مجلله گوشه مقنعه خود را چند دفعه بر روی پای من کشید و فرمود : تو را شفا دادیم . عرض کردم شما کیستید ؟ فرمود مرا نمی شناسی؟! و حال آنکه نوکری مرا می کنی ، من فاطمه دختر موسی بن جعفرم .

میرزا اسدالله بعد از بیدار شدن ، قدری پنبه در آنجا می بیند و

آن را بر می دارد ؛ و به هر مریضی که ذره ای از آن را می دهد و به محل درد می کشد ، شفا پیدا می کند . او می گوید :
آن پنبه در خانه ما بود تا وقتی که سیلابی آمد و خانه ما را خراب کرد و آن پنبه از بین رفت و دیگر پیدا نشد. " (75)

شفای چشم دختر ده ساله :

آقای حیدری کاشانی (واعظ) نقل می کند که : " یکی از رفقای روحانی ایشان در محضر آیه الله بهاء الدینی " دام ظلّه " نقل می کرد : که روزی دیدیم بر روی مردمک چشم دختر ده ساله ما دانه کوچکی پیدا شده ، وقتی به دکتر متخصص مراجعه کردیم ؛ بعد از معاینه ، ایشان اظهار نمودند که باید عمل شود ولی عمل خطر دارد. دختر ، وقتی این را شنید بنا کرد ناراحتی کردن و اینکه من عمل نمی خواهم و می گفت : مرا به حرم حضرت معصومه (ع) ببرید . این را گفت و با سرعت به

طرف حرم دوید ، ما هم به دنبال او آمدیم تا رسید به حرم ، شروع کرد به گریه کردن و خطاب به بی بی گفت : " یا حضرت معصومه (ع) من عمل نمی خواهم " و چشم خود را به ضریح حضرت می مالید و حال عجیبی داشت ، ما هم از دیدن این منظره منقلب شدیم ، بعد از این حالت توسّل ، او را بغل کردم و دلداری دادم و به او گفتم : خوب خواهی شد ، او را داخل صحن حرم مطهر بردم ، ناگهان نگاهم بچشم او افتاد دیدم هیچ گونه اثری از آن دانه خطرناک وجود ندارد."

عظای مخارج میهمانی :

آقای حیدری کاشانی می فرماید : " روزی که ما در منزل چیزی برای پذیرایی نداشتیم عدّه ای از کسانی که در شهرستان محلّ تبعید ما (بیرجند) با ما آشنا بودند ، به منزل ما آمدند ، من متحیر بودم که چکنم ؟ آمدم حرم و همان داخل صحن

عرض کردم : بي بي جان ! خودتان وضع ما را مي دانيد ، اين را که گفتم در حالي که وسط حرم در حال حرکت بودم صداي خانمي را - که مرا صدا مي کرد - شنيدم ، ايستادم ، او مبلغی پول به من داد و گفت : اين مال شماست . من به حرکت خود ادامه دادم ، مجدداً آن خانم مرا صدا زد و مبلغ ديگري پول بمن داد و گفت : اينهم مال شماست. اينجا بود که رو کردم به گنبد حضرت و عرض کردم : بي بي جان ! بسيار متشکرم . برگشتم به خانه و با آن مبلغ وسايل پذيرايي لازم را فراهم نمودم . خانم ما (که از بي پولي ما مطلع بود) گفت : اينها را از کجا تهيه کردی ؟ گفتم : فاطمه معصومه (ع) عنايت فرمود . "

حضرت رضا (ع) مريض را به حرم خواهر مي فرستد :

آقاي حيدري کاشاني مي گوید : " بعد از يك دهه سخنراني در مسجد گوهر شاد ، خانمي پيش من آمد و گفت : پسر جوان

مريضی داشتیم که شبی حضرت رضا (ع) را در خواب دیدم ،
حضرت فرمود : یکی از دو مريضی جوانت را شفا دادم ،
مريضی دوم (او را خواهرم در قم شفا خواهد داد) به نزد
خواهرم در قم برو . حال که شما عازم قم هستید این شصت
تومان را داخل ضریح حضرت بینداز ؛ من چند روز دیگر به
قم خواهم آمد . من به او گفتم : شما موقع آمدنتان به مشهد به قم
نرفتید ؟ گفت : نه . گفتم : این فرمایش حضرت گلایه ای بوده
از شما که چرا در طول راه مسافرت به مشهد ، به زیارت
خواهر ایشان نرفته اید ؟ " (76)

نزول رحمت الهی :

بار دیگر شبانگاهان دست فیاض الهی از آستین کریمه اهل
بیت به درآمد و چراغی به روشنی خورشید ولایت فراروی
عاشقان دلسوخته بر افروخت . سخن از گذشته های دور نمی

باشد بلکه حقیقتی است محقق در جمعه شب ۲۳ / ۲ / ۷۳ آری
بار دیگر در آن شب شاهد گشوده شدن خزائن غیب گشتیم و
نزول رحمت الهی : " آن که مورد عنایت قرار گرفت مسافری
بود از راه دور ، دختری چهارده ساله از اهالی " شوط " ماکو ،
از شهرهای آذربایجان که خود با ما چنین سخن می گوید : رقیه
امان الله پور هستم از اهالی " شوط " ماکو ، چهار ماه پیش بر
اثر يك نوع سرما خوردگی از هر دو پا فلج شدم ؛ خانواده ام
مرا به بیمارستانهای مختلف در شهرهای ماکو ، خوی و تبریز
بردند ، ولی همه پزشکان پس از عکسبرداری و انجام آزمایش
مکرر ، از درمان عاجز شدند و من دیگر نمی توانستم پاهایم را
حرکت دهم تا این که چهارشنبه شب (۲۱ / ۲ / ۷۳) درعالم
رؤیا دیدم که خانمی سفید پوش سوار بر اسبی سفید به طرف
من آمدند و فرمودند : " چرا از همان ابتدای بیماری پیش من
نیامدی تا شفایت دهم ؟ " با اضطراب از خواب پریدم و جریان
خواب را با عمو و عمّه ام در میان گذاشتم و آنها نیز بلا فاصله

مقدّمات سفر را به قم فراهم آوردند . لذا روز جمعه (۲۳ / ۲)
/ (۷۳) ساعت ۷ / ۳۰ دقیقه بعد از ظهر به حرم مطهر مشرف
شدیم . پس از نماز ، مشغول خواندن زیارتنامه شدم که ناگهان
صدای همان خانمی که در خواب دیده بودم به گوشم رسید که
فرمود : " بلند شو ، راه برو ، که شفایت دادم " . من ابتدا
توجهی نکردم و باز مجدّداً همان صدا با همان الفاظ تکرار شد ؛
این بار به خود حرکتی دادم و مشاهده کردم که قادر به حرکت
می باشم و مورد لطف آن بی بی دو عالم قرار گرفته ام ."⁽⁷⁷⁾

نسیم رحمت :

خواهر پروین محمدی اهل باختران در سال سوّم دبیرستان
مبتلا به تشنج اعصاب شدند و پس از بی اثر بودن معالجات
مکرر و ناامیدی از همه جا همراه خانواده عازم مشهد مقدس
می شوند به امید شفا از امام رضا (ع) . مادر ایشان این کرامت

را اینگونه بیان می کند : " وقتی به قم رسیدیم با خود گفتم
خوبست اول به زیارت خواهر امام رضا (ع) برویم اگر جواب
نداد به مشهد می رویم ؛ ساعت ۲ بعد از نیمه شب بود که به قم
رسیدیم ؛ ساعت ۹ صبح به حرم مشرف شدیم و دخترم را که
به سختی خوابش می برد و در اثر تشنج اعصاب دچار
مشکلاتی می شد با حال توجه و توسل به حضرت معصومه
(ع) ، به نزدیک ضریح بردم و براحتی خوابید . پس از مدتی
که از نماز ظهر و عصر گذشت بوی عطر عجیبی حرم را
گرفت و دیدم دست راست دخترم سه مرتبه به صورتش کشیده
شد و رنگ او بر افروخته شد و گوشه چادر او را که به
ضریح بسته بود م باز شد ؛ در همین حال دخترم براحتی از
خواب بیدار شد و گفت مادر کجایی ؟ گفتم : حرم حضرت
معصومه (ع) . گفت : مادر ، گرسنه ام ! من که ماهها بود
حسرت شنیدن این کلمه را از او داشتم ، گفتم : برویم بیرون
حرم ؛ با هم داخل صحن شدیم از او پرسیدم ؛ احساس ناراحتی

نمي کني ؟ گفت : نه ، الحمدالله خوب هستم . و من احساس کردم که حالت او طبيعي شده و شفا يافته است و از حضرت معصومه تشکر نمودم . " (78)

شربت شفا بخش :

روز چهاردهم شعبان برابر با ۲۶ ديماه ۱۳۷۳ هـ . ش و در آستانه عيد بزرگ نيمه شعبان بارگاه ملکوتي کریمه اهل بيت (ع) پذيراي ميهماني است که از راه دور آمده ، او همسايه برادر است که به دعوت خواهر او به اميد شفا به اين بارگاه رو آورده است ، او امير محمد کوهي ساکن مشهد و کارمند سابق اداره امور اقتصادي و دارايي آن شهر است که داستان خود را چنين بيان مي کند : " سه سال بود که به بيماري فلج مبتلا بودم و قادر به حرکت نبودم و با ويلچر حرکت مي کردم ؛ پيش اطباء متخصص مشهد و تهران رفتم و مراحل مختلف درمان را

(از عکس و آزمایش و سی تی اسکن و غیره) گذراندم و بارها در بیمارستان بستری شدم و در مجالس دعا و توسل در حرم مطهر حضرت رضا (ع) به قصد شفا شرکت کردم ولی عنایتی نشد در همین اواخر به خاطر ناراحتی زیاد " خود و خانواده ام " به حرم مشرف شدم و با سوز دل عرض کردم : آقا! شما غیر مسلمانان را محروم نمی کنید پس چرا به من شیعه توجه نمی فرمائید؟! آقا یا جوابم را بده یا می روم قم و به خواهرتان شکایت می کنم و او را واسطه قرار می دهم ؛ آنگاه خطاب به حضرت معصومه (ع) عرض کردم : من که همسایه برادر شما هستم و فردی عاقله مندم و در عمر خود خیانتی نکردم و در حدّ توان درستکار بودم چرا ایشان مرا شفا نمی دهند؟ بعد از این توسل و عرض گلاویه در عالم خواب خانمی را دیدم به من فرمود : شما باید به قم بیایی تا شفایت دهم. عرض کردم شما که به خانه ما آمدی و میهمان ما هستی همینجا شفایم بده ؛ من پولی ندارم که به قم بیایم . فرمود : شما باید به

قم بیایي . من خوابم را به عیال و فرزندانم نقل کردم ، پس از مدّتي پسر م به من گفت : پدر! ما که همه دارايي خود را در راه معالجه شما خرج کردیم ، من مبلغی - را از فروختن چند جعبه نوشابه ای که در خانه داشتیم - تهیه نمودم ؛ این را خرج سفر کنید و به قم بروید ، امیدوارم که شفا پیدا کنید . من راهی قم شدم ، پس از رسیدن به قم وضو گرفتم و وارد حرم شدم ؛ از دو نفر تقاضا کردم زیر بغل های مرا گرفته و کنار ضریح ببرند ، مرا کنار ضریح بردند (خسته بودم و ناتوان) بعد از زیارت و التجاء بسیار همان کنار ضریح پتوی خود را به سر کشیده ، خوابم برد . در عالم خواب خانمی را دیدم با چادر مشکی و روبندی سبز رنگ به من فرمود : پسر م خوش آمدی! اکنون شفا یافتی ، برخیز ، تو هیچ بیماری نداری . عرض کردم : من بیمار و زمین گیرم . ایشان پیاله گلی پر از چای را به دست من داد و فرمود : بخور . من چای را خوردم ؛ ناگهان از خواب بیدار شدم دیدم می توانم روی پا بایستم ، از جا

برخاستم و خود را به ضریح مقدّس رساندم و بالاخره در این روز ، عیدی خود را از " بی بی " گرفتم . " (79)

این بود شمّه ای از الطاف بی شمار و عنایات بسیار و کرامات فراوان این بانوی بزرگ که به واسطه وجود پاکش سرزمین قم مأوای عاشقان و سالکان طریق هدایت و قبله آمال عارفان حقیقت گشته است . به امید آنکه همین مختصر ، شربتی باشد به کام خشکیده عاشقان دلسوخته و چراغ راهی گردد برای بیدار شدگان از خواب غفلت ، بدان امید که حضرتش همه را از ره لطف مورد عنایت قرار داده و بر سبیل هدایت رهنمون گردد انشاء الله

بخش ششم :

حضرت فاطمه معصومه (ع) در شعر شاعران

در طول تاریخ ، شعرای اسلامی و سراینندگان آزاده شیعه ، سهم به سزایی در ترویج مکتب امامت و ولایت و اشاعه

فضایل و مناقب اهل بیت عصمت و طهارت (ع) داشته اند که سروده های حکمت آموز آنان همیشه صفا بخش قلوب عاشقان و شیفتگان خاندان نبوت و رسالت بوده است و به عنوان سندی جاوید و ماندگار در طول قرون و اعصار پیام آور مظلومیت و حقانیت مکتب سرخ علوی و مبین قطره ای از دریای بی کران فضایل اهل بیت (ع) بوده اند. و در همین راستا ، عظمت مقام کریمه اهل بیت (ع) این شاعران و منادیان حق و آزادی را به اظهار خالصانه ترین تعظیم و تکریم در برابر بارگاه ملکوتی آن بزرگ بانوی اسلام و سرودن اشعار و قصایدی ژرف و عمیق پیرامون فضایل و مناقب آن بزرگوار وادار نموده است ، که مجموعه آنها خود دیوان مستقلی خواهد بود ولی در اینجا به برگزیده ای از آنها اکتفا می کنیم :

نورین نیرین " فاطمه زهرا و فاطمه معصومه (ع)"

نورخدا در رسول اکرم کرد تجلي ز وي به حيدر

پيدا صفدر

و ز وي تابان شده به حضرت اينك ظاهر ز دخت موسي

زهرا جعفر

گر که نگفتي امام هستم بر موسي جعفر وليّ حضرت

خلق داور

فاش بگفتم که اين رسول معجزه اش مي بود همانا

خدايست دختر

دختر جز فاطمه نبايد چون صلب پدر را و هم مشيمه

اين مادر

دختر چون اين دو از مشيمه نامد و نايد دگر هماره

قدرت مقدر

آن يك امواج علم را شد ، وين يك ا فواج علم را شده

مبدء مصدر

آن يك بر فرق انبیا شده وین يك اندر سر اولیا را

تارك مغفر

آن يك در عالم جلا لت " وین يك در ملك كبریایی "

كعبه " مشعر "

آن يك خاك مدینه كرده صفحه قم را نمود این يك

مزین انور

خاك قم این كرده از شرافت آب مدینه نموده آن يك

جنت كوثر

زیبد اگر خاك قم به " شاید گر " لوح " را بیابد

عرش " كند فخر همسر (80)

دخت خورشید (۸۱)

ای دختر عقل و خواهر وی گوهر درج عزّ و

دین

تمکین

عصمت شده پای بندای علم و عمل مقیم

مویت

کویت

همشیره ماه و دخت

ای میوه شاخسار توحید

خورشید

وی گوهر تاج فرخنده نگین

آدمیت

خاتمیت

شیطان بخاطب " قم " پس تخت ترا بقم نشا

براندند

ندند

کاین خانه بهشت و جای حوّ ناموس خدای جایش اینجا

است

ست

اندر حرم تو عقل زین خاک که چشمه

ماتست

حیاتست

جسمی که در این زمین نهان جانی است که در تن جهان ا

است

ست

این ماه منیر و مهر عکسی بود از قم و

تابان خراسان

ایران شده نور بخش مشکاه صفت به این دو

ارواح مصباح

از این دو حرم دلا چه حق داند و وصف عرش و

پرسی کرسی

محتاج تر از همه " وحیدی "

هرکس به درت بیک امیدی است

است

فاطمه ثانی (۸۲)

ای که به خلق جهان تویی شأن تو از قدر

سر و سرور کاینات فزون تر
و قت ثنای تو مات گاه مدیح تو محو
عقل خردمند فکر سخنور
طایر وهم ار، رسد به بال و پرش سوزدار
پایه قدرت بود چو سمندر
شانه گیسوی توست ، آینه روی توست
پنجه خورشید ماه منور
رشحه ای از نور طلعت تو برشد و افلاک از آن شدند
به افلاک پُر اختر
عکس ز ابروی تو هلال گشت مشارالیه
چو برداشت خلق سراسر
بهر وجود تو بهر تو گردیده
خلق گشته دو عالم کاینات مسخر
خلقت هستی ، تو داده ای به ز آنرو مهتر تویی بر این

همه خلق

همه کهتر

آدم و نوح و خلیل و از مدد فیض تو

موسی و عیسی شدند پیمبر

کفو تو را چون نکرد از آن نمودی به عمر خویش

خلق خداوند تو شوهر

خلق جهان جمله اند زوج تو چو خدا فردی و

و خدا فرد نداری همسر

ذره ای از عصمت گر برسد مریمند

زنان جهان را جمله و هاجر

شبمی از جودت سبزه ای از کشت تو است گنبد

رحمت نیسان اخضر

دست کشیدی مگر توکز وی حاصل شد

بر سر آهو است نافه اذفر

و اللیل از موی تو شد والشمس از طلعت تو

است مبین گشته مفسر

باب عطایت گشاده بر چشم امید خلیق است

همه عالم بر این در

گرد ضریحت دواي گرد حریمت شفای

اکمه و ابرص عاجز و مضطر

حکم الهی به مهر امر خدایی به حبّ تو

توست مسجل است مقرر

بقعه زهرایی و نور دو چشم نبی ،

سالله حیدر حبیبه داور

فاطمه ثانی به لیک به معنی تویی

عالم ظاهر همان و نه دیگر

مظهر حقند جلوه ربّند

خانواده عصمت دودمان مطهر

بسته لبم لم یلد و گر نه دخت خدای است بنت

بگویم

موسی جعفر

عمر تو کوتاه همچو چون تو بزرگی و این

شاخه گل بود سراسر محقر

نیست مرا غیر درگه آخر و اول تویی و

تو پناهی اول و آخر

حبیبه حق (۸۳)

تو ای حبیبه حق جلوه که سوی خویش همه چشم ما

از خدا داری سوی داری

به چرخ حشمت و اجلال به پیش دیده اهل

بیشتر از مهر صفا ضیا داری

تو آشنا نشوی گر چه به ولیک در همه عالم تو

کسي از قدر آشنا داري

به زائرین حریم خود اي نظر ز راه محبت

ستوده خصال جدا جدا داري

به يك نگاه ميس قلب ما تويي که با نظر خویش

طلا سازي کيميا داري

به هر که مي نگرم تو خود نظر مگر از لطف

جانب تو روي آرد سوي ما داري

از آن که دختر موسي ابن کنند مدح تو گر تا به

جعفري بخدا حشر جا داري

در پر بهاء (۸۴)

با لد بر آسمان ز سايد بر آستان تو سر

شرف آسمان قم آسمان قم

درگه تو است مرکز طلب دین کواکبی از

دارالفنون علم کهکشان قم

در پیشگاه حضرت معصومه بیزد گهر ، مَدْرَس

صبح و شام گوهر فشان قم

سبقت ز ساکنان حریم از راه دوستی علی

خدا برند عارفان قم

چون پای اهل علم بر این ای دل به جان ببوس تو هم

خاک می رسد خاکدان قم

ای دُرّ پُر بها به قم کردی ز خلد باز دری در

گشته ای مکین مکان قم

سر عاکفان کعبه یزدان بر آستان قدس ملک

به جان نهند پا سبان قم

الفاظ در معانی مدح تو ای نازنین که جسم تو

قاصر است با شد روان قم
آید اگر خلیل پیمبر نبود شگفت گر شود از
در آن حرم عاکفان قم
چشم دلم ز گرد ضریح آری چو توتیا بود
تو روشن است این ارمغان قم

جمال و کمال فاطمی (ع) (۸۵)

خاک قم گشته مقدس از نور باران گشته این شهر
جلال فاطمه از جمال فاطمه
تا بش شمع و چراغ و باشد از نقد جمال بی
کهربای نورها مثال فاطمه
صا فی آیینه ایوان گوشه ای از صا فی

نیکو منظرش

قلب زلال فاطمه

عطر آگین گشته گر این این نسیمی است از عبیر بی

بارگاه جنتی

همال فاطمه

بر سر ما سایه افکن از شد سعید آن کس که بُد اندر

کرامت ای بتول

ظلال فاطمه

آفت دلها غم است بر حرمت من حرمت عزو

درگه معصومه ام

جلال فاطمه

یا رب از غم ها مرا برهان عفو کن ما را به قلب پر

هم از افسردگی

مال فاطمه

کبریا از درگهش کس را خاصه آنکو داشت پشتیبان

نکرده نا امید

مثال فاطمه

رواق دختر موسی بن جعفر است حریم فاطمه بنت پیمبر

این جا است این جا

دربهشت برین گر طلب ببوس با ادب آن را که آن در

کني به خدا است این جا

زمین قم به مثل چون وجود حضرت معصومه

صاف بود آری گوهر است این جا

ببند عقد نماز اندرین که جای گفتن الله اکبر

مقام رفیع است این جا

مخوان به خلد برینم برای من زدو صد خلد برتر

زکوی او واعظ است این جا

حبیه حق و ریحانه یگانه دختر زهرای اطهر

رسول و علی است این جا

مسیح زنده شود درحریم عجب ز فیض دمش روح

این بانو پرور است این جا

زِيْمَن مَوَكِبِ اَجَل لَ كِه دُرّ تاج سر هفت کشور

فاطمه بنگر است این جا

فروغ روضه او پر تو افکن چرا که مطلع خورشید

است به مهر انور است این جا

اگر بدیده ادراك بنگری که مهر و ماه هم از ذره کمتر

بینی است این جا

از آن شدند سلاطین مقیم که خاک در گه او زیب افسر

در کویش است این جا

کند بدرگه او سجده که از فروغ ولایت منور

صبحدم خورشید است این جا

اگر تجلی حق بینی از عجب مدار که دخت پیمبر

در و دیوار است این جا

تبارك الله از این که از تصوّر و از وصف

روضه بلند رواق برتر است این جا

برو طهارت دل کن بیا که جای مردم پاک و مطهر

به روضه او است این جا

از آن پناه به کوی که فیض روح ز لطفت میسر

تو آرم ای بانو است این جا

مرا که نام بود حیدر چرا که نور دو چشمان

آمدم به درت حیدر است این جا

زمین قم شده روشن از آن به که نور حق به جمالت برابر

غیب و شهود است این جا

ز آفتاب قیامت غمی مرا که سایه لطف تو بر سر

نخواهد بود است این جا

سزد که " معجزه " قم همچنان چرا که دختر موسی بن جعفر

بهشت بود است این جا

این بارگه که چرخ بر فخر البقاع بقعه

رفعتش گم است معصومه قم است

فخر البقاع نیست که این بارگه که چرخ بر

فخر البقا بود رفعتش گم است

با خاک درگهش خضر کاری که فرض عین

اندر گه نماز شمارد تیمم است

سنگ حریم او فلك ریگ سرای او مَلِك

النجم عالم است العرش انجم است

سقای او چو آب زند از رشك با سرشك قرین چشم

گردِ ساحتش قلزم است

در التماس بارقه در طور روح موسی

گنبدش هنوز اندر تکلم است

از رشك خشتهای زر اندود داغی چو شمس بر دل این

او مدام هفت طارم است

هي پانهاده زائر او بس از ملك به طوف

بر پر ملك حریمش تهاجم است

حق دارد این مکان زند کو را یگانه گوهر

ار ، دم ز ، لامکان سلطان هفتم است

اخت رضا و دختر موسی مستور از عفاف ز

که حشمتش چشم توهم است

هم در حسب بزرگ اب هم در نسب سترک أم اندر

اندر پی اب است پی أم است

آن کعبه است مرقد فرقد کز پیل حادثات مصون

عُلوّ او از تهدم است

یا بضعه البتول و یا ای آنکه رتبه تو

مهجه الرسول و رای توهم است

از اشتیاق سجده بر خال آدم هنوز روی دلش سوي

چهر تو گندم است

دانند اگر ز آدم و من گویمت بر آدم و

حوا مؤخرت حوا تقدم است

زیرا که جز ثمر نبود و ان شاخ و برگش ارچه بود

مقصد از درخت عود و هیزم است

ابلیس را که چنگ بر درگهت امید

ندامت گلو فشرد علاج تندم است

مردم زیارت تو کنند وین خود دلیل بر عدم

از پی بهشت عقل مردم است

زیرا که جز زیارت کویت و هست درب کوی تو آن

بهشت نیست را تصمم است

باصدق تو صباح دوم را بر خویش خنده آید و

بدون کذب جای تبسم است

کی شبیه مریمت کنم از کالوده اش ز نفحه روح

پاك دامني القدس كم است

آن جا كه عصمت تو زند پاي وجود روح قدس در

كوس دور باش عدم گم است

گردون به پيش محل فرّت كز آفتاب كوي زرش

جنیبتی است زیور دم است

ذلي كه از پي تو بود خاري كه در ره تو خلد به ز

عين عزّت است ، قائم است

اي بانوي حرم سوي كز انقلاب دهر ، همي

جيحون نظاره اي در تلاطم است

مويم اگر چه شد به رويم منه سياه كه دور از

معاصي سپيد ليك ترحم است

ولاي حضرت معصومه راحت به چشم مردم آگاه روح

جانست ایمانست

کسي به دعوي ایمان خود بود که پیرو نبي و تابع

صادق امامان است

چو اهل بیت نبي بهایشان ز شرف فوق درك

گوهران بي مثلند انسانست

به هر گلي که ز باغ رسالت هر آنکه دل ندهد خوار نزد

است و علي یزدانست

چه جاي آن که نباشد محبّ که او به چرخ ولا اختر

معصومه درخشانست

به خاک پاي تو اي بنت موسي که توتیاي ضیا بخش اهل

جعفر عرفانست

اگر حبیبه حق خوانمت از که بر مقام تو عارف خدای

آن باشد سبحانست

شافع يوم المعاد (٨٩)

يا رب اين خلد برين يا يا همايون بارگاه

جنه المأو استي بضعه موسا ستي

اين مهين بانو كه در برج نسل پاك و زاده انسيه

شرافت اختري است الحوراستي

فاطمه اخت الرضا ، سلطان خاك درگاه تو از عرش

دين ، روهي فداه علا اعلا ستي

ملجأ اهل زمان و خواهر سلطان دين و

شافع يوم المعاد ثاني زهراستي

مرقد نورانيش گوياتربت پاكش ز مشك و

رياض جنت است عنبر ساراستي

گو بیاید تا به بیند این آنکه منکر بر وجود

همایون بارگاه جنّت دنیا ستي

حضرت ناطق بحق صادق درجـزاي زائر او

چنین فرموده است جنه المأواستي

اي مهين بانوي کاخ عصمت اي که خاک درگهت رشک دم

، اي مایه وجود عیسا ستي

حق ام و اب اگر مانع هم ز خیل خادمانت آدم

نبودي گفتمی وحوّ استي

طالب دنیا به قم چون طیر ظالم اندر دشت قم چون ملح

اندر مجلس است در دریا ستي

هر که از روی خلوص آرد خوشدل از دنیا و فارغ از

به درگاه تو روی غم عقبا ستي

عقل در احصاء قدرش قاصر گرچه چون لقمان دهر و

است و پا به گل بوعلی سینا ستي

خطه قم شد ز یمن مقدمش در صفا دارالخلود و از

رشك جنان شرف غیراستي

چون بدیدی این بنا را عقل صورتی در زیر دارد

گفتی کا سمان آنچه در بالاستي

بضعه موسي (۹۰)

آتش موسي عیان از یا که زرین بارگاه

سینه سیناستي بضعه موساستي

بضعه موسي بن جعفر خاک درگاهش عبیر

فاطمه کز روی قدر طره حوراستي

نو گلی رنگین ز طرف آیتی روشن ز

گلشن یا سین بود صدر نامه طاهاستي

پرتوي از آفتاب زهره اي از آسمان

اصطفای مصطفی عصمت زهراستي

صحن او را هست اقصي کز شرف مسجود سقف

پایه عزت چنان مسجد اقصاستي

پستي از صحن حریمش کین مکان عزت و آن

را به پاتاق حرم مسکن غبراستي

گل گلشن فاطمي (۹۱)

ز باد حوادث در این خاک

گلي از پیمبر (ص) عنبر فشان آرمیده

یکی لاله از لاله زار به گلزار قم بین

ولایت چسان آرمیده

ز دست قضا
گل گلشن فاطمی
نوجوان
بین که چونان
آرمیده

در این بارگاه نهمان زیب تاج
رفیع دل افروز
کیان آرمیده

در این ارض اقدس به
تقدیر
یکی گوهر پاک
چرخ زمان آرمیده

درخشان مهی
دخت کز و کشوری در
موسی بن جعفر
امان آرمیده

جبین سا به خاک درش در این بقعه جان
هان که بی شک
جهان آرمیده

ز
هزاران
بگرد حریمش
روحانیان
بسان کبوتر
آرمیده

بـه پـيرامـن شـهـان و دو صد

مشعل پر فروغش عالمان آرمیده

به فردو سیان گو که زینت ده

به قم اندر آیند حوریان آرمیده

کمال و شرف ، علم و به هر سوی

جاه و جلالت این آستان آرمیده

به هر جا که گامی فسرده تني

نهی با تأمل شادمان آرمیده

قدمها به آرامی که در این زمین

این جافرو نه گلرخان آرمیده

به عبرت نظر کن که هزاران سرو و

بینی در این جا سروران آرمیده

هزاران گل و دو صد نرگس و

بلبل و سرو و سوسن ارغوان آرمیده

خوش آنان که درقم خوش آن کو در این گل

همی جان سپارند مکان آرمیده

خوش آن روزگاری خوشا حال آن که

که درقم گذشت شبان آرمیده

چه غم دارد از روز که در ظلّ این

محشر (دوانی) سایبان آرمیده

حریم خدا (۹۲)

ای خاک پاک قم چه خاکی ولی ز ذوق و

لطیف و معطری صفا بند گوهری

گوهر کجا و شأن تو گویم ز قدر و منزلت از

نبود عجیب اگر عرش برتری

بس با شد این مقام ترا مدفن برای دختر موسی

ای زمین قم بن جعفری

آن بانوی حریم امامت نازاده بعد فاطمه یک

که مام دهر همچو دختری

یا فاطمه ، حریم خدا محبوبه مکرمه

، بضعه بتول حیّ دوری

هستی تو دخت موسی و اخت گردون ندیده همچو پدر

رضا یقین هم برادری

فخر امام هفتم و وی را یگانه دختر و آن را

هشتم که از شرف تو خواهی

مریم که حق ز جمله شایسته نیست آنکه کند با تو

زنهانش بر گزید همسری

از لطف خاص و عام تو بر عاصیان شفیع فردای

ای عصمت اله محشری

صد حيف يوم طف بيني بنات فاطمه با حال

نبودي بکربلا مضطري

وان يك شكسته بازو و آن يك وان ديگري به چنگ لئيم

دریده گوش ستمگري

زينب کشيد ناله که يا بين بهر ما نمانده نه

ايها الرسول اکبر نه اصغري

يا فاطمه بجان بر " احتشام " لطف نما

عزیز برادرت قصر اخضري

نگین قم (۹۳)

شهرها انگشترند و " قم " قم ، هماره حجّت روي

نگین زمین

تربت قم ، قبله عشق و و شهر علم و شهر ایمان و صفا

فاست ست

مرقد " معصومه " چشم مهر او جانهای ما

شهر ما را کهربا

دختری از اهل بیت او ارثِ دُرّ حیا ، گنج

فتاب حجاب

در حریمش مرغ دل پر هر گرفتار آمده ، در

می زند می زند

هر دلی اینجا ست مجنوب جان ، اسیر رشته جود

حرم و کرم

این حرم با شد ملائک را زائران را ارمغان ، عشق

مطاف و عفاف

آستان بوسش بسی معرفت آموز ، از

فرزانگان این آستان

دیده پاکان به قبرش عصمت و پاکی از آن

دوخته
آموخته

"حوزه قم" هاله ای بر فقه و احکام خدا را

گردان
مرزبان

قم همیشه رفته راه بوده در مهد هدایتها

مستقیم
مقیم

قم نمی بیند مگر تیغ قم بیگانه باشد

خواب قیام
از نیام

شهر خون ، شهر شرف ، شهر شهر فقه و حوزه ، علم و

جهاد
اجتهاد

هر کجا را هر چه سیرت داده اهل قم را هم بصیرت

اند
داده اند

نقطه قاف قیامند اهل برق تیغ بی نیامند اهل

قم
قم

اهل قم ، ز اوّل ولایت در دل و در دیده ، " آیت "

داشتند داشتند

سر نمی سودند ، جز بر پای دل نمی دادند اِلّا

دین بر یقین

دین ، مطیع امر مولاراه را با رهنما

بودن است پیمودن است

دختر " موسی بن جعفر " را کز عنایاتش تراوید این

درود سرود

لطف بی انتها (۹۴)

آیّتی از خداست لطف بی انتها ست ،

معصومه معصومه

جلوه اي از جمال چهره اي حق نما ست ،

قرآن معصومه

عطر باغ زاده مصطفي است ،

محمدی دارد معصومه

پرتوي از تالو گوهري پر بها ست،

زهرا معصومه

ماه عقت نقاب آل دختر مرتضا ست ،

کسا معصومه

اخری در مدار شمس يعني أخت الرضا ست ،

شموس معصومه

زائران ، يك در بهشت اينجا تربتش با صفا ست ،

ست معصومه

در توسل به عترت و باب حاجات ما ست ،

قرآن معصومه

از مدینه ، به قصد خطه رهروی خسته پا ست ،

طوس معصومه

تا زیارت کند برادر فکر و ذکرش دعاست ،

خویش معصومه

روز و شب ، عاشقی بیاخواهری با و فاست ،

بان گرد معصومه

یا مگر اوست ، زینب کز برادر جداست ،

دگری معصومه

تا بدانی که نیمه ره بنگر اکنون کجاست ،

جان داد معصومه

از وطن دور و از حسرتش غم فزاست ،

برادر دور معصومه

گر چه نشکسته سینه و در دلش داغها ست ،

پهلویش معصومه

داغ زهرا و داغ وارث کربلاست ،

اجدادش معصومه

هر حسینیه بیت او ست (چونکه صاحب عزاست ،

حسان) معصومه

بخش هفتم :

سیر تحولات معماری ؛ هنری آستانه مقدسه

"في بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا

بِالْعُدُوِّ وَالْأَصَالِ رَجَالٌ لِأَتْلِهِمْ تِجَارَهُ وَ لَابَيْعُ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ" (95) "

— این چراغ پرفروغ الهی — در خانه های قرار دارد که

خداوند اذن فرموده دیوارهای آن را بالا برند (تا از دستبرد

شیاطین و هوسبازان در امان باشد) خانه هایی که نام خدا در

آن برده شود و صبح و شام در آن تسبیح گویند مردانی که تجا

رت و خرید و فروش آنها را از یاد خدا باز نمی دارد . "

بارگاه مطهر حضرت معصومه (ع) چون دیگر مشاهد مشرفه ،
پشتوانه ارزشهای اسلام و تشیع و فرهنگ قرآن است ؛ و ایران
در پناه این بقعه ها ، از حوادث دوران در امان مانده است ؛
بقای ایران و هویت ایرانی نیز در پرتو این معنویت ها امکان
پذیر شد و ایران در طول اعصار و قرون حادثه خیز تاریخ ،
با قي ماند . این بقعه و بقعه های متبرکه دیگر ، تجسم
آرمانهای اسلامی و پشتوانه معیارهای تشیع علوی و ارزش
های والای انسانی است ، زیرا مشاهد منور آنها نه تنها
زیارتگاه که آموزشگاهی بزرگ جهت کسب معارف الهی برای
مشتاقان و زائران دلباخته کوی آنها محسوب می شود . هر
زائری که با معرفت و شناخت مقام صاحب این مرقد و اهداف
آن به زیارت برود از صاحب قبر الهام می گیرد و اصول و
تعالیم مکتب را به یاد می آورد . و هرسلام او سرشار از این
آموزش ها و الهامها است ؛ به گونه ای که کژی ها و کاستی
های مادی و معنوی خویش را هموار می کند و از خصلت ها و

اعمال و رفتاري که خوشايند امامان و امامزادگان نيست دوري مي گزيند و در بهبود اخلاق و رفتار و روابط خویش مي کوشد تا با امامان و اوليائي الهي خود ، همساني و همسويي پيدا کند و راه آنان را بپيمايد .⁽⁹⁶⁾ وجود اثر عظيم معنوي و ديگر آثار حياتبخش اين مراکز ديني جاي هيچ گونه ترديد و تأملي نيست ولي گذشته از اين ، اين بقاع نوراني را مي توان از ذخاير عظيم هنر اسلامي نيز دانست . چرا که هنرمندان اهل ذوق با انگيزه هاي ديني و به عنوان تجليل از مقام والاي بزرگان دين ، آثار شگفت انگيزي از هنر را خلق کردند که نظر هر بيننده هنر شناسي را به خود جلب نموده و او را به تحسين و ادار مي نمايد . و در همين راستا به حقيقت مي توان گفت : که بارگاه فاطمه معصومه (ع) همانند ديگر اماکن متبرکه اسلامي ، تجليلگاه هنر اصيل اسلامي و حکايتگر پيشينه هاي درخشان هنري جامعه ديني ملت ايران محسوب مي شود . به همين جهت ما در اين بخش برآنيم که دورنمايي از آثار ارزشمند هنري

اماکن متبرّکه حضرت معصومه (ع) و سیر تحولات هنري ،
معماري آن را به دو ست داران جلوه هاي هنر اسلامي ارائه
نماییم . " امّا شنیدن کي بود مانند دیدن " بجاست هنرمند ، هنر
شناس خود از نزدیک این همه آثار شگفت انگیز هنري را به
نظاره بنشیند تا لطائف و ظرافت هاي نهفته در این گونه آثار
گرانقدر را دریابد و آفرینندگان آن را تحسین نماید .

دورنمایی از اماکن متبرّکه بارگاه فاطمي (ع)

(۱) گنبد حرم مطهر

اولین گنبدی که " پس از سایبان حصیری موسی بن الخزرج "
بر فراز تربت پاک فاطمه معصومه (ع) بنا شد ، قبه ای برجی
شکل بود که به همّت حضرت زینب دختر امام جواد (ع) (از
مصالح آجر و سنگ و گچ در اواسط قرن سوم هجری قمری

ساخته شد. به مرور زمان و پس از دفن جمعی از بانوان علوی در جوار فاطمه معصومه (ع) دو گنبد دیگر در کنار گنبد اوّل ساخته شد که سوّمین آنها مدفن حضرت زینب (ع) شد. این سه گنبد تا سال ۴۴۷ هـ. ق برقرار بودند تا این که در همان سال " میر ابوالفضل عراقی " (وزیر طغرل کبیر) به تشویق مرحوم شیخ طوسی به جای آن سه گنبد ، گنبد مرتفعی را به قطر داخلی تقریباً 11 و ارتفاع ۱۴ متر ، آراسته به نقش های رنگ آمیزی و تزیینات آجری و کاشی بدون ایوان و حجره ها بنا نهاد ، که تمام قبور سادات را فرا می گرفت . " در سال ۹۲۵ هـ. ق همین گنبد به همّت " شاه بیگی بیگم " دختر شاه اسماعیل تجدید بنا شد ؛ با ایوان و دو مناره و صحن (عتیق) و سطح خارجی گنبد با کاشی های معرّق آراسته گردید " . این گنبد در سال ۱۲۱۸ هـ. ق با خشت هایی زرنگار تزیین شد که تعداد دوازده هزار خشت با پوشش طلائی در آن بکار رفت. ارتفاع این گنبد از سطح بام ۱۶متر و از سطح زمین ۳۲متر و

محیطش از خارج ۳۵/۶ و از داخل ۲۸/۶۶ و قطرش ۱۲ متر
و بلندی عمق استوانه ای آن ۶ متر است ؛ قسمت پایین آن از
سطح بام تا نود سانتیمتر از آجر تراش و روی آن یک متر
کاشی خشتی فیروزه ای و بالای آن (تمام جدار) مزین به
خشت هایی با پوشش طلا است . و در گلوگاه ساق گنبد ، کتیبه
ای است که اشعاری از " فتحعلی خان صبا " در آن به خط
نستعلیق قالب ریزی شده است که آن اشعار عبارتند از :

آتش موسی عیان از سینه سینا ستی یا که زرین
با رگه بضعه موسی بضعه موسی بن جعفر ،
فاطمه کز روی قدر خاک درگاهش عبیر طره حورا
ستی نو گلی رنگین ز طرف گلشن یا سین بود آیتی
روشن به صدر نامه طاها ستی پرتوی از
آفتاب اصفای مصطفی ز هره ای از آسمان
عصمت زهراستی صحن او را هست اقصی پایه عزت

چنان کز شرف مسجود سقف مسجد اقصا ستي پستي از
صحن حریمش را به پاطاق حرم کین مکان عزت و آن
مسکن غیرا ستي (97)

این بود سیر تاریخی بنای گنبد بارگاه ملکوتی کریمه اهل بیت
(ع) از آغاز تا کنون که خود یکی از شاهکارهای معماری ،
هنری اسلامی و از بناهای کم نظیر در بین عتبات مقدّسه
است .

(۲) مرقد مطهر حضرت

مرقد شریف حضرت فاطمه معصومه (ع) (درمیان بقعه
مبارکه) با بلندی ۱/۲۰ و طول و عرض ۲/۹۵، در ۱/۲۰متر
قرار گرفته و با کاشی های نفیس و زیبای زرفام (آغاز قرن
هفتم) پوشیده شده است . گرداگرد مرقد منور ، دیواری به
بلندی دو متر و طول و عرض تقریبی (۴/۸۰ ، در ۴/۴۰)

قرار دارد که در سال ۹۵۰ بنا گردید و با کاشی معرّق آراسته شد ، که اکنون این دیوار با ضریح مشبّک از جنس نقره پوشیده شده است. ⁽⁹⁸⁾ سیر تاریخی مرقد پاک آن حضرت از این قرار است : در سال ۶۰۵ هـ. ق " امیر مظفر احمد بن اسماعیل " بزرگ خاندان آل مظفر ، بزرگترین استاد کاشی ساز آن زمان " محمد بن ابی طاهر کاشی قمی " را به کار ساخت و پرداخت کاشی های متنوع مرقد واداشت. او به مدّت ۸ سال به این کار مشغول بود تا سرانجام در سال ۶۱۳ کاشی های مرقد آماده و کار گذاشته شد . در سال ۹۶۵ هـ . ق شاه تهماسب صفوی ، در چهار طرف مرقد سابق ضریحی آجری آراسته به کاشی های هفت رنگ (با نقش و نگار) و کتیبه های معرّق بنا نمود و در اطراف آن منافذی باز بود تا هم مرقد دیده شود و هم زائران نذورات خود را داخل مرقد بریزند . ⁽⁹⁹⁾ بعد از آن به دستور شاه مذکور ضریحی از فولاد سفید و شفاف در جلو ضریح آجری قرار داده شد که طول آن 25/5 و عرض آن

۴/۷۳ و ارتفاعش ۲/۱۰ و داراي بيست درگاه مشبک و مضلع بود. در سال 1230 هـ . ق فتحعلي شاه همان ضريح را نقره پوش کرد ؛ که اين ضريح به مرور زمان فرسوده شد و در سال ۱۲۸۰ ضريحي که از نقره ضريح سابق و نقره هاي موجود در خزانه ساخته شده بود به جاي آن نصب گرديد. اين ضريح چندين مرتبه تجديد بنا و اصلاح شد و سالهاي متمادي روي مرقد حضرت باقي بود تا اينکه در سال ۱۳۶۸ هـ . ق . برابر سال 1348 هـ . ش . به دستور توليت آن زمان شکل ضريح را تغيير دادند و ضريح کنوني را (با ظرايف و شاهکارهاي هنري ويژه اي که دارد) به جاي آن نصب نمودند که آن ضريح همچنان بر فراز تربت نوراني حضرت برقرار است . (100)

(۳)

ايوان هاي حرم مطهر

ايوان طلا :

ايوان طلا و دو ايوان كوچك كنار آن در شمال رو ضه مقدسه واقعند كه در سال ۹۲۵ هـ . ق هنگام تجديد بناي گنبد و احداث صحن عتيق و گلدسته هاي آن در زمان شاه اسماعيل صفوي و با اقدام دختر او ساخته شد. (۱) اين ايوان با دهانه اي به طول و عرض ۷۰/۸×۹ متر و بلندي چهار ده متر ، پايين ديواره آن (درسه طرف) ، تا بلندي ۱/۸۰ متر آراسته به قطعات كوچك كاشي فيروزه اي هشت گوشه اي و در ميان آنها قطعات كوچكتر قهوه اي رنگ است كه حاشيه اي از كاشي با زمينه (لا جوردي نقش و نگار) از چهار طرف آن را احاطه

کرده است و بر فراز آن کتیبه ای به ثلث سفید در زمینه ای لاجوردی ، گرداگرد ایوان دیده می شود که متن آن را حدیث : " أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَي حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيداً... " تشکیل می دهد . پس از این کتیبه ، بدنه ایوان تا ارتفاع دو متر دیگر ، آراسته به کاشی های معرّق آغاز عهد صفوی است و بعد از آن کتیبه سرا سری دیگری به چشم می خورد و با لای کتیبه (مقرنس های) سقف ایوان با خشت های " زرفام" پوشیده شده است .

ایوانه های کنار ایوان طلا :

دو ایوان در دو طرف ایوان طلا است به بلندی بیش از ده و پهنای دو و دهانه پنج متر ، که از بناهای عهد صفوی می باشند و سراسر بدنه آن ، مانند ایوان طلا به کاشی های معرّق همان دوره آراسته شده است . (102)

ایوان آینه :

در ، جانب شرقي رو اق مطهر نیز ایوانی مرتفع به بلندی ایوان طلا و طول و عرض ۹ در 87/7 متر قرار دارد که به خاطر آینه کاری آن ، به ایوان " آینه " معروف است . پایین دیوار آن به بلندی بیش از يك متر سنگ مرمر به کار رفته که هر بدنه ای با يك قطعه سنگ آراسته شده است و بالای آن همه بدنه ایوان تا سقف آینه کاری است. در کمر بند ایوان کتیبه ای سراسری از سنگ مرمر وجود دارد به پهنای حدود سی سانتیمتر ، که به خط ثلث آیه شریفه (الله نور السموات و الارض ... " بر آن نقش بسته است . میان ایوان و رواق شرقي حرم ایوانچه ای است که مانند ایوان اصلی تزیین شده که بر سر در آن حدیث شریف " مَنْ زَارَ فَاطِمَةَ يَوْمَ قَلْعَةِ الْجَنَّةِ " به نستعلیق مشکی ، خوانده می شود . این مجموعه هنری شگفت

انگیز از کارهای ارزشمند هنرمند مشهور دوره قاجار (استاد حسن معمار قمي) مي باشد که همزمان با بنای صحن نو ، به دستور " ميرزا علي اصغر خان صدر اعظم " بنا شد . (103)

(۴) مناره های صحن عتیق

در صحن عتیق بر فراز ایوان طلا دو مأذنه استوانه ای رفیع به بلندی ۱۷/۴۰ (از سطح بام) و قطر ۱/۵۰ قرار دارد. پوشش مأذنه ها کاشی گرهی به شکل مارپیچ است که در میان پیچ ها نامهای مبارك : " الله " ، " محمد " ، " علي " به خط بنّایی خوانده مي شود . در قسمت بالایی مأذنه ها ، " مقرنسی " در سه ردیف پرداخته اند که زیر آن کتیبه ای به خز سفید مشتمل بر آیه " إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ " (در مأذنه غربی) ؛ " يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ " (بر مأذنه شرقی) قرار دارد. این مأذنه ها به دستور " محمد حسین خان شاهسون شهاب

الملك" حاكم قم ، در سال ۱۲۸۵ هـ . ق بنا نهاده شدند و قبه

آنها در سال ۱۳۰۱ هـ . ق ، طلا كاري شد . (104)

(۵) مناره هاي ايوان آينه

بر فراز پايه هاي دو طرف ايوان دو مأذنه است كه هر يك به بلندي ۲۸ متر از سطح بام ، با قطر ۳/۳۰ متر ، از بلندترين بناهاي آستانه مي باشد . اين مأذنه ها از سطح بام تا ۳متر هشت ضلعي متساوي و سپس نيم متري مقرنس و آنگاه يك متري استوانه اي و بعد از آن تا ۲/۵ متر ، دوازده گوشه برجسته و پس از همه اينها (تا زير مأذنه چوبي) استوانه اي است ، كه در بالا كتيبه اي با پهناي حدود يك متر ديده مي شود كه متن آن در يكي از مأذنه ها " لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ اِلاَّ بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ " و در ديگري " سُبْحَانَ اللّٰهِ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ لا اِلهَ اِلاَّ اللّٰهُ وَ اللّٰهُ اَكْبَرُ " است . سپس مقرنسي به پهناي حدود يك متر و بالاي

آن مأذنه چوبي و قبّه مأذنه ها واقع شده است . پوشش هر دو مأذنه از بالا تا پايين سرتا سر کاشي گرهي است که (در ميان آنها) نامهاي پروردگار متعال خوانده مي شود .⁽¹⁰⁵⁾

(۶) مساجد حرم مطهر

مسجد بالاسر :

مسجد بالاسر از وسيعترين بيوتات آستانه و محل تشکيل مجالس عمومي و نماز جماعت است که در دوران صفويه با فضايي به عرض ۶ و طول ۳۵ متر به عنوان ميهمانسرای آستانه شمرده مي شد و در عهد قاجاريه از ناحيه " تقي خان حسام الملك " پسر فتحعلي شاه ساختمان آن تجديد بنا شد و به صورت مسجدي داراي دو گنبد ساخته شد و به عنوان بزرگترين مکان از اماکن متبرکه آستانه به شمار آمد. در سال

۱۳۳۸ هـ . ق " با ضمیمه شدن زمینی که در جهت غربی مسجد بود " فضای آن به ۱۴ در ۴۸ متر افزایش یافت که بر سه ستون قطور آجری ۳ در ۲ متر استوار بود. این بنا یی مقدّس بر پا بود تا زمانی که مسجد اعظم با آن وسعت و زیبایی خاص ساخته شد . از آن جایی که دیگر ، بنای قدیمی مسجد بالاسر ، " بین ساختمان عظیم حرم مطهر و مسجد اعظم نو بنیاد " نمای خوبی نداشت ، متولی و قت ، " آقای سید ابوالفضل تولیت " به تجدید بنای آن اقدام نمود ، ساختمان قدیمی را از سطح زمین برداشت و به جای آن عمارتی رفیع به عرض ۱۴ در ۴۸ متر " فاقد ستون " و با خصوصیات فراوان معماری بنا نمود که امروز یکی از با شکوهترین اماکن متبرکه حرم مطهر محسوب می شود . ⁽¹⁰⁶⁾ یادآوری می شود که در جنوب این مسجد قبور فقهاء و استوانه های علم و حکمت واقع شده است :

قبور علمای فرزانه ای همچون " مرحوم آیه الله حاج شیخ عبدالکریم حائری (مؤسس حوزه علمیه قم) و مرحوم آیه الله

حاج سيّد محمدّ تقّي خوانساري و مرحوم آية الله حاج سيدحسن صدر و آية الله حاج سيد احمد خوانساري " و اخيراً دانشمندان و فقهاء بزرگي همچون " مرحوم علامه طباطبائي و آية الله العظمي گلپايگاني و آية الله العظمي اراكي و آية الله العظمي بهاء الديني و آية الله العظمي أميرزا هاشم آملی " و از علماء شهيد انقلاب اسلامي همچون " استاد شهيد آية الله مطهری و شهيد محراب آية الله مدني " در اين تربت پاک آرمیده اند و همچون ستارگاني فروزان در کنار ماه منير فاطمي فضاي ملكوتي اين مكان مقدّس را نور باران نموده اند .

مسجد طباطبائي :

مسجد طباطبائي ، گنبدی پنجاه ستوني است که جاي صحن زنانه " قدیم " در جنوب روضه مطهر " ساخته شده است. اين گنبد در وسط به دهانه ۱۷ و ارتفاع ۱۷ متر است که با اضافه

شدن فضاي اطراف آن به ۲۴/۸۰ ، در ۲۴/۲۰ متر افزایش مي يابد و داراي رواقی است مثلث شکل که قاعده و ساق آن ۱۵ متر است. این گنبد را بر فراز ده پایه آجری به قطر ۲ ، در ۲ ، متر و ارتفاع ۳/۳۰ متر بنا کردند و بعداً چهار نبش تمام پایه ها را تراش داده و در چهار گوشه هر يك ، ستونی استوانه اي — با بتن مسلح — بالا آوردند سپس درون چهار ستون را بر چیدند و در نتیجه آن گنبد عظیم بر فراز سي و دو ، تا چهل ستون بر قرار شد. روی ستونهای سیمانی را با قطعاتی از مرمر ماشین تراش به عرض ده و ارتفاع پنجاه سانتیمتر زینت دادند ، به طوری که تمام ستونها مرمر پوش گردیدند و در ساق آنها به جاي ته ستون صفحه مدرّجی از بُرُنز " صیقلی زیبا ، اضافه نمودند که زیبایی آنها را دو چندان نمود. تعداد ستونهای این گنبد رفیع به اضافه ستونهای جانبی و ستون های رواق کنار آن به پنجاه ستون می رسد. بانی این گنبد مرتفع و مسجد با عظمت مرحوم " حجة السلام حاج آقا محمّد

طباطبایی " فرزند مرحوم آیه الله حاج آقا حسین قمی است که از سال ۱۳۶۰ هـ . ق ، تا ۱۳۷۰ هـ . ق بنای آن طول کشید .

(107) در زاویه شمال غربی این مکان مقدّس قبور شهداء بزرگی از علماء و فضلاء حوزه علمیه واقع است " : قبر مرحوم شهید آیه الله ربّانی شیرازی و شهید ربّانی املشی و شهید محمّد منتظری و شهید آیه الله قدّوسی و شهید محلاتی " که این خود بر صفا و معنویت این مکان افزوده است .

مسجد اعظم :

لمسجد اسس علي التقوي من اول يوم احقّ أن تقوم فيه

از آثار دینی با عظمتی که به همت والای مرجع تقلید عالم تشیع آیه الله العظمی بروجردی قدس سرّه تأسیس گردید ، مسجد اعظم قم بود که در کنار حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه (ع) جهت رفاه حال زائرین ساخته شد. این بنای رفیع با شرائط

خاص و خصوصیات ممتازی که دارد مسجد منحصر به فردی است که در مجاورت آستان رفیع فاطمی بنا گردیده است .

انگیزه تأسیس مسجد :

اساسی ترین انگیزه آن فقیه فرزانه برای بنای چنین مسجد عظیمی این بود ، که آن بزرگوار بارگاه کریمه اهل بیت (ع) را فاقد مسجد مناسبی می دید که زائران بتوانند در آنجا از فضایی روحانی بیشتری بهره ببرند ، لذا مشاهده این خلاء مکانی بود که ایشان را بر چنین تصمیم والایی واداشت . چنانچه خود ایشان بنا به نقل بعضی از بزرگان⁽¹⁰⁸⁾ در این رابطه فرموده اند به این که : " بنا دارم در جوار حرم مطهر حضرت معصومه (ع) مسجدی چون مسجد گوهر شاد در کنار حرم حضرت علی بن موسی الرضا (ع) بنا نمایم ". از سوی دیگر پیش بینی آن بزرگوار این بود که ، حوزه مقدسه قم در دراز مدت به فضایی وسیع و مناسب جهت برگزاری دروس حوزویان در سطوح

مختلف بویژه دروس خارج مراجع عظام نیاز دارد و چه بهتر که این مرکز در جوار حرم مطهر و با نام مسجد باشد. چنانچه قرار گرفتن مدفن آن عبد صالح خدا در کنار درب ورودی این مسجد گواهی صادق، بر اخلاص و پاکی نیت اوست، و بحق می توان آن را یکی از مصادیق روشن (لمسجد اسس علي التقوي من اوّل يوم (109) " : مسجدي که از بدو تأسیس بر اساس تقوا و پاکی بنا شده است" ؛ به شمار آورد .

تاریخ تأسیس :

کلنگ بنای این مسجد در روز یازدهم ذیقعده ۱۳۷۳ هـ . ق . سالروز ولادت با سعادت حضرت علی بن موسی الرضا (ع) برابر با بیست و یک تیرماه ۱۳۳۳ هـ . ش . طی تشریفات خاصی به زمین زده شد .

مشکلات :

يکي از مشکلات مهم احداث مسجد در اين نقطه محدوديت مکاني زمين و ناموزون بودن آن بود . چون بطوري که مشاهده مي شود ، مسجد از يك طرف به آستانه مقدسه و از طرف ديگر به ساحل رودخانه محدود است . و در نتيجه محوطه مسجد به شکل مثلث ناموزوني است که ضلع غربي آن حدود ۱۲۰ متر و قاعده آن حدود ۱۵ متر مي باشد . مشکل ديگر وجود خانه هايي بود که در محدوده زمين مسجد قرار داشت که خريد آنها هزينه زيادي را مي طلبيد ، اما به دستور آن بزرگوار با مشکلات زيادي همه آن خانه ها خريداري و رضاييت صاحبان آنها جلب شد. همچنين بيش از ۳۰۰۰ متر از کنار مسجد بالاسر از بيوتات و متعلقات آستانه مقدسه بود که با دراييت خاص ايشان در حریم مسجد قرار گرفت . سرانجام با عنايات الهي و رفع مشکلات ياد شده نقشه ساختماني مسجد زير نظر مهندسان و معماران کار آزموده اي چون مرحوم لرزاده به طور دقيق و جامع طراحي شد و بر اساس آن ساخت مسجد

آغاز گردید و پس از شش سال کار متمادی عمده کارهای ساختمانی آن به پایان رسید و در نیمه اول ۱۳۳۹ هـ . ش با اقامه نماز جماعت توسط حضرت آیه الله العظمی بروجردی رحمه الله افتتاح و مورد بهره برداری قرار گرفت .

مشخصات ساختمانی مسجد :

مجموع مساحت مسجد تقریباً ۱۲۰۰۰ متر مربع است و کلیه ساختمان آن با بتون مسلح بنا گردیده و لذا این مسجد از نظر استحکام از بناهای کم نظیر اسلامی به شمار می آید . مسجد دارای چهار شبستان است که مساحت شبستان زیر گنبد ۴۰۰ متر مربع و شبستانهای جانبی آن هر کدام ۹۰۰ متر مربع می باشد و در طرف شمال مسجد نیز شبستان زیر ساعت با مساحتی حدود ۳۰۰ متر مربع قرار دارد. ارتفاع سقف هر یک از شبستانها با سطح آن حدوداً ۱۰ متر مربع است. در ضلع غربی مسجد سرویس بهداشتی و وضوخانه مسجد و یک سالن

آسایشگاه برای خادمین احداث شده است. همچنین کتابخانه ای با دو سالن مطالعه و یک سالن مخزن در ضلع غربی صحن مسجد بنا گردیده که درب ورودی آن از طرف راهرو ورودی مسجد اعظم قرار دارد. این مسجد با عظمت دارای صحن بزرگی است با دره‌های ورودی متعدد، که وجود حوضی بسیار زیبا در فضایی میانی آن، نمایی آن مکان مقدس را دیدنی نموده است.

مسجد به سبک معماری اسلامی بنا شده است. که دارای گنبد بسیار بزرگی به قطر ۳۰ متر مربع و به ارتفاع ۱۵ متر مربع از سطح پشت بام و به ارتفاع ۳۵ متر مربع از کف شبستان می باشد. و دارای گلدسته‌هایی بلند به ارتفاع ۲۵ متر مربع از سطح پشت بام و به ارتفاع ۴۵ متر مربع از سطح زمین است.

و دارای دو مأذنه به ارتفاع ۵ متر مربع می باشد (110). و همچنین یک برج با ساعت زنگی بزرگ و زیبا در شمال مسجد قرار دارد که از چهار جهت دیده می شود. این مسجد از نظر

تزئینات و کاشیکاری و جلوه های هنر اسلامی از نمونه های
بدیع کاشیکاری در قرن اخیر به شمار می رود (111) .

استفاده بهینه از مسجد اعظم توسط آستانه مقدسه :

پس از پیروزی انقلاب با توجه به اقبال زیاد زائرین محترم ،
به حرم مطهر حضرت معصومه (ع) و احساس نیاز به
فضاهای عبادی ، معنوی بیشتر در جوار بارگاه منور حضرت
و عدم امکان بهره برداری شایسته از فضا و امکانات وسیع
مسجد اعظم و در نتیجه معطل ماندن آن همه امکانات وسیع که
با هدف اصلی بنیانگذار عظیم الشان آن موافقت نداشت .
سرانجام در دهه آخر ماه مبارک رمضان سال ۱۳۷۱ هـ . ش
با رعایت موازین شرعی و قانونی حائل بین مسجد اعظم و
مسجد بالاسر برداشته شد و به دنبال آن امور اداری و خدماتی
مسجد بر عهده آستانه مقدسه قرار گرفت. و طبق فرمان مقام
معظم رهبری به تولیت محترم آستانه مقدسه ، مسئولین مربوطه

موظف شدند بدون بهره برداري و دخالتي در موقوفات مسجد ، اقدام به نگهداري و حفاظت از مسجد و متعلقات آن و تأمين حقوق کارمندان آن نمايند . و هم اکنون اين مکان مقدس محيط بسيار مناسبی برای تحصيل دانش پژوهان علوم دينی شده ، به گونه ای که در ایام تحصيلی حوزه اکثر مراجع معظم تقلید در اين مکان مقدس تدریس می نمايند و تعداد کثیری از طلاب و فضاي محترم از فيوضات علمی ایشان بهره مند می شوند . همچنين مراسم مذهبی مختلفی که از شئونات مسجد است با شکوه خاصی در آن برگزار می شود .

(۷) صحن های حرم مطهر

صحن نو " اتابکی " :

صحن نو ، بنایي است و سيع و خوش منظر ، با صفا و معنويت خاصی که پر شکوه و عظمت بارگاه فاطمي افزوده است . این صحن زیبا داراي چهار ایوان شمالي ، جنوبي و شرقي و غربي است : ایوان شمالي آن ورودي حرم مطهر از میدان آستانه را و ایوان جنوبي ورودي حرم از خیابان موزه را و ایوان شرقي ورودي صحن نو از خیابان ارم را تشکیل مي دهد ؛ در هر کدام از این ایوان هاي یاد شده ظرایف و آثار هنري ، معماری خاصی به کار رفته است که نظر هر بیننده هنر دوست را به خود جلب مي نماید . و ایوان غربي هم همان ایوان آینه است که ورودي روضه مقدّسه از صحن نو محسوب مي شود . وجود این ایوان هاي مجلّل (به ویژه ایوان آینه) و قرار گرفتن حوض بيضي شکل در وسط صحن مطهر (با خصوصیات موجود در آن) زیبایی این مکان مقدّس را دو چندان کرده است . این صحن از آثار (ميرزا علي اصغر خان صدر اعظم) است که از سال ۱۲۹۵ هـ . ق ، تا سال ۱۳۰۳

بنای آن طول کشیده است . (112) در این صحن قبور علما و شهدایی " همانند شهید بزرگ انقلاب مشروطه آیه الله شیخ فضل الله نوری و شهید آیه الله مفتّح و عالم بزرگ شیعه مرحوم قطب راوندي قرار گرفته ، و بر زائرین تربت پاک فاطمه معصومه (ع) است که از زیارت این فدائیان راه ولایت و امامت غافل نباشند .

صحن عتیق " قدیم " :

صحن عتیق " واقع در شمال روضه مبارکه " اوّ لین بنایی است که بر قبه مبارکه افزوده شد. این صحن را سه ایوان زیبا فراگرفته است. ایوانی با عظمت در جنوب که همان ایوان طلا " ورودی صحن به روضه مطهره " می باشد و ایوانی در شمال که ورودی فیضیه به صحن را تشکیل می دهد و ایوانی در غرب که ورودی مسجد اعظم به صحن است. و در شرق دالان

ورودي صحن عتيق به صحن نو واقع است. اين صحن در عين كوچك بودنش بخاطر داشتن ايوان هاي مجلل و حجرات متعدّد اطراف آن از زيبايي خاصي برخوردار است. اين صحن و ايوان هاي اطراف آن را " شاه بيگي بيگم " دختر شاه اسماعيل صفوي در سال ۹۲۵ هـ . ق بنا نمود . اين بود دورنمايي از آثار هنري ، معماري آستانه مقدّسه حضرت معصومه (ع) و بر هنرمندان اسلامي است كه از نزديك زيبايي هاي هنري نهفته در اين بنايي رفيع را به نظاره بنشينند و آفرينندگان آن را تحسين نمايند .

بخش هشتم :

زيارتنامه حضرت فاطمه معصومه (ع)

يكي از واژه هاي مقدّس و آشنايي در قاموس شيعه ، واژه زيارت است و از جمله آداب و برنامه هاي كه به آن بسيار سفارش شده است رفتن به زيارت تربت پاك و مشاهد شريفه

اهل بيت (ع) و فرزندان بزرگوار آنهاست . ائمه اطهار (ع) در روایات و احادیث ، پیروان خود را بر این امر مهم تشویق و تحریص فرمودند و اجر و پاداش فراوانی برای آن بیان کرده اند. چنانچه درباره زیارت امام حسین (ع) ، امام صادق (ع) می فرماید : " زیارت آن حضرت برابر است با هزار حج عمره " (113) . و حضرت رضا (ع) درباره زیارت خود فرمود : " هر

کس مرا با معرفت زیارت کند من از او شفاعت خواهم کرد " (114) . و امام جواد (ع) فرمود : " مَنْ زَارَ قَبْرَ عَمَّتِي بِقَمِّ فَلَهُ

الْحَبَّةُ " (115) : کسی که قبر عمه ام " فاطمه معصومه (ع) " را ، در قم زیارت کند سزاوار بهشت خواهد بود " . و درباره زیارت حضرت عبدالعظیم (ع) ، امام هادی (ع) فرمود : " اگر قبر عبد العظیم را ، زیارت می کردی مثل آن بود که امام حسین (ع) را زیارت کرده باشی " (116) . و رسولخدا (ص)

فرمود : " مَنْ زَارَنِي أَوْ زَارَ أَحَدًا مِنْ ذُرِّيَّتِي زُرْتُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

فَأَنْقَدْتُهُ مِنْ أَهْوَالِهَا" (117) " : کسی که مرا ، یا یکی از فرزندانم را زیارت کند روز قیامت به دیدارش خواهم رفت و او را از ترس های آن روز نجات خواهم داد " . حال باید توجه کرد که فلسفه و حکمت این همه فضیلت و پاداش چیست ؟ آیا این اجر و ثواب عظیم فقط برای يك زیارت ظاهري است بدون هیچ اثر و هدفی ؟ یا اینکه همه اینها در راستای اهداف عالی دینی است که امت اسلامی با زیارت تربت مطهر این عزیزان ، ره توشه ای برای دنیا و آخرت خویش برگیرد و با اسوه قرار دادن این نخبگان خلق خدا و با پیروی از خط مشی آن بزرگواران همواره امتی نمونه باشد . و با صفا و جلا دادن روح و جان خویش از آفت ها و کجی ها دور بماند و همیشه جامعه ای سرافراز و سعادت مند باشد . و با این تجدید میثاق های مکرر است که خط مستقیم تشیع و امامان بحق آن ماندگار و جاوید خواهد ماند . روشن است که این هدف حاصل نمی شود مگر اینکه زائران آن مشاهد مشرفه ، عارف بحق صاحبان آن باشند و با

کمال معرفت و شناخت به پابوس آنها شرفیاب شوند . چنانچه در روایات این امر مهم را شرط پذیرفته شدن در آستان رفیع اولیای خدا دانسته و برای درک فضیلت زیارت ، بر آن تأکید فرموده اند ، همانطور که امام صادق (ع) فرمودند : " مَنْ آتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَارِفاً بِحَقِّهِ كَانَتْ حَجٌّ مِائِحَةً مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) (118) " : یعنی کسی که با معرفت و شناخت ، قبر امام حسین (ع) را زیارت کند مثل کسی است که ، صد حج همراه رسول خدا (ص) انجام داده باشد " . و امام جواد (ع) هم درباره زیارت حضرت رضا می فرماید : " بهشت واجب است بر کسی که قبر پدرم را (در طوس با معرفت زیارت کند " (119) . و حضرت رضا (ع) درباره زیارت حضرت معصومه فرمود : " مَنْ زَارَهَا عَارِفاً بِحَقِّهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ " (120) " : کسی که " فاطمه معصومه " را زیارت کند ، درحالی که " معرفت " به حق او داشته باشد ، سزاوار بهشت است " . بدیهی است که اگر مسلمان زائر ، معرفت به فضایل و کمالات نفسانی و راه و

رسم زندگي اين بندگان شايسته خدا داشته باشد ، مي تواند از زيارت مرقد شريف آنان توشه اي برگيرد و روح و جان خود را با آن ارواح قدسي هماهنگ نمايد ، و با مكتب و مرام الهي آنها آشنا گردد . به اين جهت براي حضرت فاطمه معصومه (ع) زيارتنامه معتبري نقل شده است . تا زائران مشتاق با خواندن فرازهاي نوراني آن در جهت طي طريق رشد و كمال از حضرتش الهام گيرند و با ارتباط يافتن با آن منبع فيض الهي از درياي بي كران رحمت حق توشه اي برگيرند و آن زيارتنامه معروف است كه مرحوم مجلسي در بحارالانوار آن را نقل فرموده است كه ما آن را با سند در اينجا مي آوريم .

متن زيارتنامه با سند :

" حَدَّثَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى

الرِّضَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ ، قَالَ : يَا سَعْدُ ، عِنْدَكُمْ لَنَا قَبْرُ! قُلْتُ :

جُعِلَتْ فِدَاكَ ، قَبْرُ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُوسَى عَلَيْهِمَا السَّلَامُ ! قَالَ: نَعَمْ ،
مَنْ زَارَهَا عَارِفًا بِحَقِّهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ. فَإِذَا رَأَيْتَ الْقَبْرَ فَقُمْ عِنْدَ رَأْسِهَا
مُسْتَقْبِلَ الْقِبْلَةِ ، فَكَبِّرْ أَرْبَعًا وَثَلَاثِينَ تَكْبِيرَةً وَ سَبِّحْ ثَلَاثًا وَ ثَلَاثِينَ
تَسْبِيحَةً وَ اِحْمِدِ اللَّهَ ثَلَاثًا وَ ثَلَاثِينَ تَحْمِيدَةً ، ثُمَّ قُلْ " : السَّلَامُ عَلَيَّ
أَدَمَ صِفْوَةَ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيَّ نُوحَ نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ
خَلِيلِ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيَّ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيَّ عِيسَى رُوحِ
اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَ خَلْقِ اللَّهِ ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفِيَّ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ خَاتَمَ
النَّبِيِّينَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَصِيَّ
رَسُولِ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ،
السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا سِبْطِي نَبِيَّ الرَّحْمَةِ وَ سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ سَيِّدَ الْعَابِدِينَ وَ فُرَّةَ عَيْنِ النَّاطِرِينَ
، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ بَا قِرِّ الْعِلْمِ بَعْدَ النَّبِيِّ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ الصَّادِقَ الْبَارَّ الْأَمِينَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُوسَى بْنَ
جَعْفَرَ الطَّاهِرَ الطُّهْرَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرَّضَا

المُرْتَضِي ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ النَّقِيِّ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

عَلِيٍّ بْنَ مُحَمَّدٍ النَّقِيِّ النَّاصِحِ التَّامِينِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَسَنَ بْنَ

عَلِيٍّ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ عَلِيَّ الوَصِيِّ مِنْ بَعْدِهِ ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ

ثُورِكَ وَ سِرَاجِكَ وَ وَلِيِّ وَلِيِّكَ وَ وَصِيِّ وَصِيِّكَ وَ حُبَّتِكَ عَلَيَّ

خَلْقِكَ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ فَاطِمَةَ وَ

خَدِيجَةَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ أميرِ الْمُؤْمِنِينَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ

الحَسَنِ وَ الحُسَيْنِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ وَلِيِّ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

أختِ وَلِيِّ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّةَ وَلِيِّ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

بِنْتَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ .

السَّلَامُ عَلَيْكَ ، عَرَّفَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ فِي الْجَنَّةِ وَ حَشَرْنَا فِي ز

مُورَتِكُمْ وَ أوردَنَا حَوْضَ نَبِيِّكُمْ وَ سَقَانَا بِكَاسِ جَدِّكُمْ مِنْ يَدِ عَلِيِّ بْنِ

أبي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ . أَسئَلُ اللَّهَ أَنْ يُرِينَا فِيكُمْ السُّرُورَ وَ

الْفَرَجَ وَ أَنْ يَجْمَعَنَا وَ إِيَّاكُمْ فِي زُمْرَةِ جَدِّكُمْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

وَ آلِهِ وَ أَنْ لَا يَسئَلَنَا مَعْرِفَتَكُمْ إِنَّهُ وَلِيُّ قَدِيرٍ . أَتَقَرَّبُ إِلَيَّ اللَّهُ بِحُبِّكُمْ

وَالْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَالتَّسْلِيمِ إِلَيَّ اللَّهُ ، رَاضِيًا بِهِ غَيْرَ مُنْكَرٍ وَ لَا
مُسْتَكْبِرٍ ، وَ عَلِيٍّ يَقِينٍ مَا آتَى بِهِ مُحَمَّدٌ وَ بِهِ رَاضٍ ، نَطْلُبُ بِذَلِكَ
وَجْهَكَ يَا سَيِّدِي اللَّهُمَّ وَ رِضَاكَ وَالدَّارَ الْآخِرَةَ. يَا فَاطِمَةُ اشْفَعِي
لِي فِي الْجَنَّةِ فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَأْنًا مِنَ الشَّأْنِ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ
تَخْتِمَ لِي بِالسَّعَادَةِ ، فَلَا تَسْلُبْ مِنِّي مَا أَنَا فِيهِ ، وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ
إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ . اللَّهُمَّ اسْتَجِبْ لَنَا وَ تَقَبَّلْهُ بِكَرَمِكَ وَ عِزَّتِكَ وَ
بِرَحْمَتِكَ وَ عَا فِيَتِكَ. وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ وَ سَلَّمَ
تَسْلِيمًا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . " (121)

ترجمه زیارتنامه :

علي بن ابراهيم از پدرش از سعد از امام علي بن موسي
الرضا (ع) نقل مي کند که فرمود : اي سعد! ما نزد شما قبوري
داريم ! عرض کردم فدایت شوم ، قبر فاطمه دختر امام موسي
(ع) را مي فرمايي ؟ فرمود : آري ، هر که او را با معرفت

زیارت کند بهشت سزاوار اوست . هرگاه (به حرم مشرف شده
و) قبر را دیدی نزد⁽¹²²⁾ سر (حضرت) رو بقبله بایست و
سی و چهار مرتبه " اللَّهُ أَكْبَرُ " و سی و سه مرتبه " سُبْحَانَ اللَّهِ " و
سی و سه مرتبه " الْحَمْدُ لِلَّهِ " بگو ، سپس بگو :
"سلام بر حضرت آدم برگزیده خدا ، سلام بر حضرت نوح
پیامبر خدا ، سلام بر حضرت ابراهیم دوست خدا ، سلام بر
حضرت موسی هم صحبت خدا ، سلام بر حضرت عیسی روح
الله ، سلام بر تو ای رسول خدا ، سلام بر تو ای بهترین خلق
خدا ، سلام بر تو ای برگزیده خدا ، سلام بر تو ای محمد بن
عبدالله خاتم پیامبران ، سلام بر تو ای امیر مؤمنان علی بن ابی
طالب وصی رسول خدا ، سلام بر تو ای فاطمه ، ای بزرگ
بانوی بانوان عالم ، سلام بر شما ای دو سبط پیامبر رحمت ،
ای دو سرور جوانان اهل بهشت ، سلام بر تو ای علی بن
الحسین ، ای سرور عبادت پیشگان ای فروغ دیده بینندگان ،
سلام بر تو ای محمد بن علی ، ای شکافنده علم بعد از پیامبر ،

سلام بر تو ای جعفر بن محمد ، ای راستگویی نیکوکار امین ،
سلام بر تو ای موسی بن جعفر ، ای پاک و پاکیزه ، سلام بر تو
ای علی بن موسی ، ای پسندیده ، سلام بر تو ای محمد بن علی
، ای خویشتن دار ، سلام بر تو ای علی محمد ، ای پاک سرشت
و خیر خواه و امین ، سلام بر تو ای حسن بن علی ، سلام بر
وصی بعد از او . بار خدایا صلوات بفرست بر نور و چراغ
روشنگرت ، بر ولیّ ولیّت ، بر وصیّ وصیّت ، بر حجّت خود
بر بندگانت ، سلام بر تو ای رسول خدا ، سلام بر تو ای دختر
فاطمه و خدیجه ، سلام بر تو ای دختر امیرمؤمنان ، سلام بر
تو ای دختر امام حسن و امام حسین ، سلام بر تو ای دختر ولیّ
خدا ، سلام بر تو ای خواهر ولیّ خدا ، سلام بر تو ای خواهر
ولیّ خدا ، سلام بر تو ای عمّه ولیّ خدا ، سلام بر تو ای دختر
موسی بن جعفر ، رحمت و برکات خدا بر تو باد. سلام بر تو ،
خداوند آشنایی برقرار کند میان ما و شما در بهشت ، و ما را
در زمره شما محشور فرماید ، و ما را بر حوض پیامبر شما

وارد کند ، و ما را با کاسه جدّتان از دست علیّ بن ابی طالب
سیراب سازد ، صلوات خدا بر شما باد . از خداوند می‌خواهم
که سرور و فرج شما را به ما بنمایاند ، ما و شما را در زمره
جدّ بزرگوارتان حضرت محمّد — که درود خدا بر او و آتش باد
— گرد آورد ، و معرفتِ شما را از ما نگیرد ، که او صاحب
اختیار و مقتدر است . به سویی خداوند تقرّب می‌جویم با محبّت
شما و بیزاری از دشمنان شما ، و با تسلیم شدن به فرمان خدا ،
از روی رضایت ، نه آن که منکر یا نافرمان باشم ، و با یقین
به آنچه حضرت محمّد (ص) آورده و به آن راضی هستم ، با
این عقیده عنایت ترا می‌طلبم ، ای سرور من . خدایا رضایت
ترا و سرای آخرت را خواستارم . ای فاطمه (معصومه) در
مورد بهشت از من شفاعت کن ، چون که ترا نزد خدا مقام
رفیعی است . خداوندا ! دعایم را مستجاب کن ، و آنرا به کرم
و عزت و رحمت و عافیت خود از من قبول فرما . بر محمّد و

همه اهلبیت او صلوات فراوان و درود بی پایان فرست ای
بخشنده ترین بخشندگان (123) .

منابع و مدارك

کتاب

.....

.....مؤلف

الحجة

آثار

.....

رازي

شريف

محمد

المشعشعين

انوار

.....

قمي

علي

محمد

شيخ

بحار الانوار

.....

مجلسي

علامه

المؤمنين

بشارة

اسلامي

قوام

شيخ

قم

قديم

تاريخ

قمي

حسن

بن

محمد

بن

حسن

پاکان

تربت

طباطبائي

مدرسي

قم

شهر

و

معصومه

حضرت

محمد

حکيمي

السلام

دار

نوري

محدّث

الامامه

دلائل

.....

ابو جعفر محمد بن جرير طبري

زندگاني حضرت معصومه (ع))

.....مهدی

منصوري

زندگاني حضرت معصومه (ع)

..... سيد

صحفي

مهدی

سفينة البحار

.....

قمي

محدّث

الغدیر

.....

.....علامة

اميني

فاطمة بنت موسي بن جعفر (ع)

.....محمد هادي

الاميني

الرضويه

فوائد

.....

قمي

محدث

علوي

سادات

قيام

.....

تشيد

اكبر

علي

الزيارات

كامل

.....

جعفر بن محمد بن قو لويه قمي

اهلبيت

كريمه

.....

علي اكبر مهدي پور

گنجينه آثار قم

.....

عباس فيض قمي

گنجينه دانشمندان

.....

محمد شريف رازي

لمعات عشق

.....

حيدر معجزه

مستدرك سفينة البحار

علي.....

نمازي شاهرودي

مستدرك الوسائل

.....

محدّث

نوري

معجم

البلدان

.....

شهاب

الدين

ابو

عبدالله

يا

قوت

معجم

رجال

الحديث

آيه.....

الله

خويي

ميزان

الحكمه

.....

محمد

محمدي

ري

شهري

ناسخ

التواريخ

.....

محمد

تقي

سپهر

و

ديعه

آل

محمد

(ع)

)

محمد.....

انصاري

صادق

المعصوميه

وسيلة



شيخ ابو طالب بيوك